



Financial Sustainability Assessment under Economic Uncertainty in Iranian Banking Industry: An Importance-Performance Approach

Mir Jabbar Gheiby

PhD Candidate, Department of Financial, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran. E-mail: mirjabbar.gheiby@iau.ac.ir

Zohre Khaje Saeed *

*Corresponding Author, Assistant Prof., Department of Economics, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran. E-mail: zohrehkhajehsaeid@iau.ac.ir

Asgar Pak Maram

Associate Prof., Department of Accounting, Bonab Branch, Islamic Azad University, Bonab, Iran. E-mail: pakmaram@iau.ac.ir

Abstract

Objective

Given the significant changes in the overall economic conditions, the issue of economic uncertainty, and consequently the increase in risks within the economic system, has become increasingly important in Iran. For this reason, researchers and policymakers have focused on the financial consequences arising from these economic changes. Nevertheless, a gap remains in achieving a balance necessary for financial stability amid economic uncertainty. As the key players in the money market, banks hold a vital role in the country's economy. Considering the importance of the banking industry in times of economic instability and its impact on the economy and society, it is essential for bank managers to have sufficient awareness about the effects of financial sustainability on profitability in the country's banking industry. In this context, the present research aims to assess financial sustainability under conditions of economic uncertainty in the Iranian banking industry.

Citation: Gheiby, Mir Jabbar; Khaje Saeed, Zohre & Pak Maram, Asgar (2025). Financial Sustainability Assessment under Economic Uncertainty in Iranian Banking Industry: An Importance-Performance Approach. *Financial Research Journal*, 27(3), 597-631. <https://doi.org/10.22059/FRJ.2025.377710.1007610> (in Persian)



Methods

The present study is applied-developmental in terms of its objective and, regarding data collection methods, employs a cross-sectional survey using an exploratory mixed-methods approach. The qualitative phase involved bank managers and deputies as participants. The sampling method for this phase was theoretical sampling, achieving theoretical saturation with 10 participants. The statistical population for the quantitative phase consisted of banking industry experts, estimated at 384 individuals based on Cochran's formula. The required sample size was obtained using a simple cluster random sampling method. Data were collected using semi-structured interviews and questionnaires. The underlying categories of financial stability were identified using the grounded theory method, and the status of the research constructs was assessed via importance-performance analysis (gap analysis). Qualitative data analysis was conducted using MAXQDA software, while the quantitative analysis was performed with SPSS.

Results

Based on the research paradigm model, it was determined that organizational and customer-oriented factors, along with financial policies, influence the financial stability of banks. The bank's social responsibility provides the necessary foundation, while economic uncertainty acts as an intervening factor that significantly affects the formulation of a sustainable banking strategy. Ultimately, the sustainable banking strategy leads to economic, social, and environmental sustainability.

Conclusion

According to findings, causal conditions, including organizational factors, customer-centric factors, and financial policies, influence the core phenomenon of banking financial sustainability. Additionally, contextual conditions, namely the social responsibility of the banking industry, provide the essential environment and foundation for achieving financial sustainability goals. While contextual conditions have a positive impact, intervening conditions, such as economic uncertainty, negatively influence strategies and actions, particularly the sustainable banking strategy. Ultimately, a sustainable banking strategy leads to outcomes including environmental, economic, and social sustainability. Based on the results of the extracted model, it is suggested that banks should prioritize the development of sustainable banking strategies and concurrently implement programs to enhance their social responsibility.

Keywords: Economic uncertainty, Financial sustainability, Banking industry, Sustainable banking strategy, Social responsibility.

ارزیابی پایداری مالی در شرایط عدم اطمینان اقتصادی در صنعت بانکداری کشور با رویکرد اهمیت - عملکرد

میرجبار غیبی

دانشجوی دکتری، گروه مالی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران. رایانامه: mirjabbar.gheiby@iau.ac.ir

زهره خواجه سعید*

* نویسنده مسئول، استادیار، گروه اقتصاد، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران. رایانامه: zohrehkhajehsaeid@iau.ac.ir

عسگر پاکمram

دانشیار، گروه حسابداری، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران. رایانامه: pakmaram@iau.ac.ir

چکیده

هدف: نظر به اینکه شرایط کلی حاکم بر اقتصاد دستخوش تغییرات زیادی شده، مسئله عدم اطمینان اقتصادی و به تبع آن، افزایش ریسک‌های سیستم اقتصادی اهمیت بیشتری پیدا کرده است. به همین دلیل، پژوهشگران و سیاست‌گذاران توجه بسیاری را به پیامدهای مالی ناشی از این تغییرات اقتصادی معطوف کرده‌اند؛ اما هنوز فاصله زیادی برای موازنه در دستیابی به پایداری مالی در شرایط عدم اطمینان اقتصادی وجود دارد. بانک‌ها به عنوان مهم‌ترین بازیگر بازار پول، در اقتصاد کشور نقش حیاتی ایفا می‌کنند و نظر به اهمیت صنعت بانکداری در شرایط ناپایداری اقتصادی و تأثیرگذاری آن بر اقتصاد و اجتماع، لازم است که مدیران بانکی از آگاهی کافی در خصوص اثرگذاری پایداری مالی بر سودآوری در صنعت بانکداری کشور برخوردار باشند. در این راستا، پژوهش حاضر با هدف ارزیابی پایداری مالی در شرایط عدم اطمینان اقتصادی در صنعت بانکداری کشور انجام شده است.

روش: مطالعه حاضر از نظر هدف، کاربردی - توسعه‌ای و از منظر روش گردآوری داده‌ها، پیمایشی - مقطعی است که با رویکرد آمیخته اکتشافی انجام شده است. جامعه مشارکت‌کنندگان در بخش کیفی، مدیران و معاونان بانکی بوده است. روش نمونه‌گیری این پژوهش از نوع نظری بوده و با ۱۰ نفر، اشباع نظری حاصل شده است. جامعه آماری بخش کمی نیز، کارشناسان صنعت بانکداری بوده که با فرمول کوکران حجم نمونه ۳۸۴ نفر برآورد شده است. با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای - تصادفی ساده، حجم نمونه مورد نیاز تأمین شد. برای گردآوری داده‌ها، از مصاحبه نیم‌ساختاریافته و پرسش‌نامه استفاده شد. مقوله‌های زیربنایی پایداری مالی با روش داده‌بنیاد شناسایی شد و با استفاده از روش تجزیه و تحلیل اهمیت - عملکرد (تحلیل شکاف)، وضعیت سازه‌های پژوهش مشخص شد. داده‌های کیفی به کمک نرم‌افزار مکس کیودا و داده‌های بخش کمی با استفاده از نرم‌افزار اسپاس تحلیل شدند.

استناد: غیبی، میرجبار؛ خواجه سعید، زهره و پاکمram، عسگر (۱۴۰۴). ارزیابی پایداری مالی در شرایط عدم اطمینان اقتصادی در صنعت بانکداری کشور با رویکرد اهمیت - عملکرد. *تحقیقات مالی*، ۲۷(۳)، ۵۹۷-۶۳۱.

یافته‌ها: براساس مدل پارادایمی پژوهش مشخص شد که عوامل سازمانی، مشتری‌محوری و سیاست‌های مالی، بر پایداری مالی بانک‌ها تأثیر می‌گذارد. مسئولیت اجتماعی بانک زمینه و بستر لازم را ایجاد می‌کند و عدم اطمینان اقتصادی، عامل مداخله‌گری است که در تدوین استراتژی بانکداری پایدار تأثیر می‌گذارد. در پایان استراتژی بانکداری پایدار، به پایداری اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی منجر می‌شود.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج پژوهش، شرایط علی، مشتمل بر عوامل سازمانی، عوامل مشتری‌محوری و سیاست‌های مالی، بر پدیده محوری (پایداری مالی بانکی) تأثیرگذارند. همچنین، شرایط زمینه‌ای (مسئولیت اجتماعی صنعت بانکداری) زمینه و بستر لازم را برای دستیابی به اهداف پایداری مالی فراهم می‌آورد. شرایط زمینه‌ای تأثیر مثبت و شرایط مداخله‌گر (عدم اطمینان اقتصادی) تأثیر منفی بر راهبردها و اقدامات (استراتژی بانکداری پایدار) می‌گذارد. در نهایت، استراتژی بانکداری پایدار، به پیامدهایی نظیر پایداری زیست‌محیطی، پایداری اقتصادی و پایداری اجتماعی منجر می‌شود. با توجه به نتایج مدل استخراج شده، می‌توان پیشنهاد داد که بانک‌ها باید به توسعه استراتژی بانکداری پایدار توجه بیشتری داشته باشند و در کنار آن، برنامه‌هایی برای افزایش مسئولیت اجتماعی خود را اجرا کنند.

کلیدواژه‌ها: پایداری مالی، صنعت بانکداری، عدم اطمینان اقتصادی.



مقدمه

بحران‌های اقتصادی مجموعه شرایطی هستند که طی وقوع آن‌ها تعداد زیادی از نهادهای مالی به‌طور ناگهانی بخش بزرگی از ارزش اسمی دارایی‌های مالی خود را از دست می‌دهند. از آنجا که وقوع بحران‌های اقتصادی پدیده‌ی جدیدی در جهان نیست، کنترل پیامدهای منفی آن، لزوم توجه سیاست‌گذاران اقتصادی و مراکز تصمیم‌ساز را برمی‌انگیزد. کشورها همواره با چالش‌های اقتصادی و مالی مواجهند. این چالش‌ها در برهه‌های زمانی مشخص به بحران‌های اقتصادی تبدیل می‌شوند. در واقع، بحران اقتصادی فروپاشی بازارهای مالی است؛ شرایطی که در آن، بازارهای مالی قادر نیستند وجوه را به اشخاصی انتقال دهند که از فرصت بهره‌وری بیشتر در سرمایه‌گذاری بهره‌مند باشند. از این رو، بحران اقتصادی که نتیجه‌ی عملکرد نامطلوب بازارهای مالی است، به انقباض شدید در فعالیت‌های اقتصادی منجر می‌شود (ناصرصدرآبادی، غفاری، محمدی و معمارنژاد، ۱۴۰۲). این در حالی است که عدم قطعیت یکی از نگرانی‌های همیشگی اقتصاددانان و سیاست‌گذاران بوده است. پیامدهای اقتصادی آن در نظام بانکی، پس از بحران مالی جهانی سال ۲۰۲۱، توجه بسیار زیادی را به خود جلب کرده است (دنگ و لی^۱، ۲۰۲۴). این مسئله، به‌ویژه در اقتصادهای در حال توسعه و نوظهور وجود داشته است و به‌طور شایان توجهی بیشتر از کشورهای توسعه یافته است. به‌همین خاطر، صنعت بانکداری در کشورهای در حال توسعه، به‌شدت تحت تأثیر عدم اطمینان اقتصادی قرار دارد و باید تمهیدهای لازم در این زمینه صورت گیرد (یائو، وو، چن و جئون^۲، ۲۰۲۰). در ایران نیز مسئله عدم اطمینان اقتصادی، به‌شدت حوزه بانکداری کشور را تحت تأثیر قرار داده است. با وقوع شوک‌های منفی نفتی، کاهش درآمدهای ارزی، نوسان‌های نرخ ارز و افزایش ریسک اعتباری و نرخ تورم، کارایی سیستم بانکی اقتصاد ایران کاهش یافته است (ریبعی، طاهری، صفوی و زندی، ۱۴۰۰). بانک‌ها به‌عنوان مهم‌ترین بازیگران بازار پولی، در اقتصاد کشور نقشی حیاتی ایفا می‌کنند و نظر به اهمیت سودآوری صنعت بانکداری در شرایط متفاوت اقتصادی و تأثیرگذاری آن بر اقتصاد و اجتماع، لازم است مدیران بانکی از آگاهی کافی پیرامون اثرگذاری و نقش‌آفرینی عوامل مؤثر بر سودآوری این بخش مهم اقتصاد کشور (نظیر معیارهای مختص هر بانک، ساختار دارایی، تنوع درآمدی و...) برخوردار باشند (تمیزی، ۱۴۰۳).

عدم اطمینان اقتصادی به‌شدت پایداری نظام بانکی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بر اساس تعریفی جامع، عدم اطمینان وضعیتی است که در آن احتمالات مربوط به وقایع، قابل تشخیص و تعیین نیستند. چنین شرایطی فعالیت بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی را به‌شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد (هدستورم، الدین، رحمان و سیو^۳، ۲۰۲۴). از سوی دیگر، در جوامع امروزی، سیاست مالی یکی از ابزارهای مهم و تأثیرگذار بر رشد و توسعه اقتصادی است و پایداری مالی، یکی از نگرانی‌های عمده سیاست‌گذاران اقتصادی کشورهای جهان به‌شمار می‌رود (همایون، رنجبر، احمدی و طالب‌نیا، ۱۴۰۲)؛ زیرا سیاست مالی ناپایدار، می‌تواند حجم سرمایه‌گذاری و در نتیجه، رشد اقتصادی پایدار را محدود کند. دولت‌ها

1. Deng & Li

2. Yao, Wu, Chen & Jeon

3. Hedström, Uddin, Rahman & Sjö

به مسئله پایداری مالی اهتمام ویژه‌ای دارند و در چند سال اخیر، این مسئله، به یکی از چالش‌های اساسی دولت‌ها در حوزه مالی و اقتصادی تبدیل شده است (نجفی‌مقدم، دارابی و حاجی رضا، ۱۴۰۲).

نظر به اینکه شرایط کلی حاکم بر اقتصاد دستخوش تغییرات زیادی شده است، مسئله عدم اطمینان اقتصادی و به تبع آن افزایش ریسک‌های سیستم اقتصادی، اهمیت بیشتری پیدا کرده است. به همین دلیل پژوهشگران و سیاست‌گذاران توجه بسیاری را به پیامدهای مالی ناشی از این تغییرات اقتصادی معطوف کرده‌اند؛ اما هنوز، برای موازنه در دستیابی به پایداری مالی در شرایط عدم اطمینان اقتصادی فاصله زیادی وجود دارد (سان، فنگ، اقبال و بلال^۱، ۲۰۲۲). پایداری مالی بخش دولتی ظرفیت مالی عمومی برای تحقق تعهدهای جاری خود، مقاومت در برابر شوک‌ها و حفظ سطح خدمات، بدهی و تعهد در سطوح معقول به انتظارات ملی و درآمد احتمالی آینده، ضمن حفظ منافع عمومی است. در سطح نظام بانکی نیز، پایداری مالی وضعیتی است که بانک، براساس سیاست‌های جاری خود، می‌کوشد تا یک نسبت بدهی‌ای را که از پیش معین کرده است، در افق زمانی مشخص، ثابت نگه دارد. بنابراین توانایی بازپرداخت بدهی شرط لازم برای پایداری مالی در صنعت بانکداری است و البته باید ثبات سیاست‌های مالی نیز در نظر گرفته شود (ولیعچکو، خالاتور، پاولنکو، کاراموشکا و هوبا^۲، ۲۰۲۳).

بحران اخیر اقتصادی در سال ۲۰۲۱ در دنیا، سبب شده است تا هدف‌گذاری کوتاه‌مدت در فعالیتهای مالی جایگزین هدف‌گذاری بلندمدت شود. چنین رویکردهایی به شدت پایداری مالی را در نهادهای مالی و به صورت غیرمستقیم کسب‌وکارهای دیگر اکوسیستم اقتصادی را تحت تأثیر قرار داده است (چیتدی، یی، راغوتلا و فرید^۳، ۲۰۲۳). پایداری مالی اهرمی کلیدی برای دستیابی به اهداف دولت در بلندمدت است و اگر در وضعیت بحران اقتصادی، نگاه کلان به این حوزه، جای خود را به نگاهی کوتاه‌مدت دهد، پیامدهای ناگوار و عمیقی در اقتصاد خواهد داشت. این مسئله در چرخه‌ای مخرب، به عدم اطمینان اقتصادی بیشتر منجر می‌شود و در نتیجه این عدم اطمینان، پایداری مالی بیشتر تهدید خواهد شد (آلیس، حسین، النور، محسن و عطیه^۴، ۲۰۲۴). این مسئله، به‌ویژه در کشور ایران، به دو دلیل از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از یک طرف، عمده‌ترین منبع درآمدی دولت، درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت است و این درآمدها بخش عمده بودجه دولت را تشکیل می‌دهند (یوسفی قلعه رودخانه، تهرانی و میرلوحی، ۱۴۰۰). از طرف دیگر، به دلیل نقش پُررنگ دولت در اقتصاد ایران، رفتارهای مالی دولت، نوسان‌های بودجه و سیاست‌های مالی دولت که از نوسان‌های قیمت نفت و درآمدهای نفتی نشئت می‌گیرد، در عملکرد اقتصاد ایران نقش مؤثری دارد (اسماعیلی کیا و اوشنی، ۱۴۰۰). شرایط ویژه و استثنائی کشور ایران از منظر ایدئولوژی داخلی و سیاست‌های خارجی، سبب شده است که طی چند دهه اخیر، عدم اطمینان به رکن جدانشدنی اقتصاد کشور تبدیل شود. کوشش بر پابندی به مبانی اقتصاد اسلامی، حاکمیت اقتصاد دولتی، تحریم گسترده و بی‌سابقه اقتصادی موجب تکانه‌ها، نوسان‌ها و خطرهای داخلی و خارجی بسیاری شده است. بانک‌ها به عنوان بزرگ‌ترین نهاد مالی کشور، نقش بسزایی در تأمین منابع مالی دولت، پشتیبانی از

1. Sun, Fang, Iqbal & Bilal

2. Velychko, Khalatur, Pavlenko, Karamushka & Huba

3. Chittedi, Yi, Raghutla & Fareed

4. Alice, Hussain, Alnoor, Muhsen & Atiyah

کسب‌وکارها و اجرای سیاست‌های پولی و مالی برعهده دارند. بنابراین پایداری و حرکت به‌سوی توسعه پایدار در شرایط عدم اطمینان اقتصادی موجود، باید در دستور کار قرار گیرد. این مسئله از منظر سلبی نیز اهمیت بسیاری دارد؛ زیرا نبود الگویی فراگیر برای پایداری مالی در صنعت بانکداری، سبب می‌شود تا در بحران‌های اقتصادی و شوک‌های ناشی از تحریم‌های مالی و رویدادهای بی‌ثبات‌کننده منطقه، ارکان اقتصادی کشور مورد تهدید واقع شود و کسب‌وکارها، تراکنش‌های مالی عمومی و رونق اقتصادی کشور در سطوح خرد و کلان، به‌صورت منفی تحت‌تأثیر قرار گیرد. در پژوهش‌های پیشین، «عدم اطمینان اقتصادی» و «پایداری مالی» کمابیش بررسی شده‌اند؛ اما تاکنون هیچ مطالعه مستقلی این دو مفهوم را در یک کلیت واحد بررسی نکرده است. به دیگر سخن، آنچه از نگاه پژوهشگران مغفول مانده، مفهوم‌سازی پایداری مالی در شرایط عدم اطمینان اقتصادی در صنعت بانکداری کشور است و مطالعه حاضر کوششی است در راستای پُرکردن این شکاف پژوهشی. در این راستا، نخست به شناسایی سازه‌های زیربنایی پایداری مالی صنعت بانکداری در شرایط عدم اطمینان اقتصادی پرداخته و روابط میان آن‌ها شناسایی می‌شود؛ سپس به بررسی وضعیت کنونی این سازه‌ها و فاصله آن‌ها با وضعیت مطلوب پرداخته خواهد شد. مطالعه حاضر به این پرسش کلیدی پاسخ می‌دهد که وضعیت پایداری مالی در شرایط عدم اطمینان اقتصادی در صنعت بانکداری کشور چگونه است؟

مبانی نظری

عدم اطمینان اقتصادی

عدم اطمینان اقتصادی، به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن پیش‌بینی محیط اقتصادی آینده دشوار است و درجه بالایی از ریسک یا ناشناخته‌ها در آن وجود دارد. این می‌تواند ناشی از عوامل مختلفی، از جمله بی‌ثباتی سیاسی، تغییر در سیاست‌های دولت، بلایای طبیعی و نوسان‌های بازار باشد (جئون و همکاران، ۲۰۲۴؛ شکرخواه، آسیائی و محمودی، ۱۴۰۲). نوسان‌های بازارهای مالی، تغییر در سیاست‌های کلان اقتصادی، بلایای طبیعی، بی‌ثباتی سیاسی، از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌هایی است که می‌تواند در یک کشور برای نظام بانکی و سرمایه‌گذاران عدم اطمینان ایجاد کند (هان و همکاران، ۲۰۲۳). درواقع عدم اطمینان، کانال اصلی است که به‌واسطه آن، عوامل کلان و سیاسی بر بازارهای مالی تأثیر می‌گذارد (محمدی و کریمی‌دلدار، ۱۴۰۱). در دوره‌هایی که بی‌ثباتی سیاسی زیاد است، عدم قطعیت‌های ناشی از تغییرات احتمالی در سیاست‌های دولت، ادارک از ریسک در بازار سرمایه را به‌میزانی قابل اعتنا، افزایش دهد. ریسک درک شده همراه با عدم اطمینان اقتصادی، می‌تواند به دو شیوه پایداری مالی را تحت تأثیر قرار دهد. نخست ادارک ریسک نزد سرمایه‌گذاران افزایش پیدا می‌کند و دیگر آنکه هزینه‌های سرمایه‌سهم بالا می‌رود و این تأثیر مخربی بر ثبات مالی به همراه خواهد داشت (شاکری، سیدی نژاد و جهان تیغ، ۱۴۰۲).

پس از جنگ دوم جهانی، اغلب کشورها به اجماع رسیدند که با بنیان نهادن نهادهایی روابط مالی ناشی از مبادلات تجاری و جریان‌های سرمایه‌ای، خود را در سطح جهان سامان بخشند و نظم نوینی بر پایه هماهنگی روابط تعریف کنند. دو نهاد صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی و چند دهه بعد، سازمان جهانی تجارت، دستاورد همین تلاش‌ها برای حل

و فصل اختلاف در روابط اقتصادی و رویکرد عمومی به حفظ تعادل اقتصاد جهانی از طریق مشارکت در قالب یک نهاد فراملی بود. صندوق بین‌المللی پول از سال ۱۹۴۵ شروع به کار کرد و هم‌اکنون ۱۸۹ عضو دارد. کارکرد عمومی صندوق بین‌المللی پول را باید در جلوگیری از وقوع بحران فراگیر مالی از طریق تشویق کشورها به استفاده از سیاست‌های مناسب و در صورت لزوم تأمین مالی موقت کشورهای درگیر در مسائل بخش خارجی خلاصه کرد. الزامات قانونی این نهاد عبارت است از: بسط متوازن تجارت جهانی، ثبات نرخ‌های ارز در چارچوب مطلوب اجتناب کشورها از تنزل مصنوعی ارزش پول داخلی به منظور حفظ دامنه رقابت‌پذیری اقتصاد ملی و در نهایت، اصلاح و تنظیم تراز پرداخت‌های خارجی. به این منظور صندوق، سه برنامه تحقیق و نظارت، مساعدت مالی و مساعدت فنی را به اجرا در آورد (ای‌ام‌اف، ۲۰۰۹).

هدف اصلی از برنامه نظارت چندجانبه، کمک به حفظ سلامت اقتصاد جهانی ارزیابی ثبات بازارهای مالی بین‌المللی و فراهم‌سازی مقدمات تهیه داده‌های معتبر بین‌المللی است. این مهم از طریق دنبال کردن آخرین تحولات عملکرد اقتصادی و مالی کشورها و تحلیل نوع سیاست‌ها، مقررات و فضای نهادی با پشتوانه تجربی بیش از ۵۰ سال فعالیت نظارتی، در سه سطح کشوری منطقه‌ای و جهانی انجام می‌شود. به این منظور تمام اعضای صندوق موظف‌اند که هر سال، سطح مشخصی از داده‌های عملکرد اقتصاد خود را با هیئت مشاوره ماده ۴ اساسنامه مرور کنند. بر اساس داده‌های مذکور، تحلیل پایداری متغیرهای عمده اقتصاد کلان و پیش‌بینی افق میان‌مدت و بلندمدت متغیرهای کلیدی قابل انجام است. مشاوره‌های ماده ۴ اساسنامه در سه لایه منظم و ادواری خاص و تکمیلی بررسی‌های قاعده‌مندی است که مقامات کشورهای عضو و کارشناسان صندوق در جنبه‌های مهم سیاستی و عملکردی یک اقتصاد انجام می‌دهند و گزارش حاصله، تحت عنوان «گزارش کشوری» در هیئت اجرایی ارائه می‌شود. در دهه‌های اخیر، نماینده ایران در صندوق، یکی از ۲۴ کرسی کلیدی هیئت اجرایی را داشت و با در اختیار داشتن مسئولیت هفت کشور، حضور فعالی را در فرایندهای شکل‌دهی به تحولات نظام مالی بین‌المللی نشان داد. مهم‌تر آنکه ایران توانسته است جایگاه مذکور را به‌رغم تغییر نماینده خود حفظ کند. این موفقیت مرهون شخصیت برتر نماینده معرفی شده و نیز، حفظ تعاملات مثبت دفتر ایران با ارکان صندوق است. اهمیت این نکته در آن است که به لحاظ ساختاری، صندوق بین‌المللی پول در حوزه نفوذ اروپا تلقی می‌شود؛ برخلاف بانک جهانی که به‌صورت سنتی تأثیر پذیری بیشتری از آمریکا دارد (لاسترا^۱، ۲۰۱۱).

پایداری مالی

پایداری مالی سیاستی است که باعث می‌شود نسبت خالص دارایی‌های دولت به تولید در سطح فعالی ثابت باقی بماند و به ارکانی اشاره دارد که در ارزیابی ثبات وضعیت بودجه و بدهی مورد توجه قرار می‌گیرند. سیاست مالی پایدار تضمین می‌کند نسبت بدهی به تولید به مقدار تعالی خویش برگردد (احمدی، دمنه و جهان‌دیده، ۱۴۰۱). در عرصه بانکداری، پایداری مالی بانک می‌تواند بیانگر ساختار منابع بانکی و تأمین مالی در سیستم بانک‌ها باشد. سلامت و ثبات در صنعت بانکداری به بانک‌ها برای جبران زیان‌های مالی یاری رسانده و به‌عنوان یک عامل کاهنده انتقال شوک‌ها و کاهش

ریسک فرایند مالی در بانک‌ها باشد (آرامونته، شریمپف و شین^۱، ۲۰۲۳). از سوی دیگر، افزایش هزینه‌های تأمین منابع به کم شدن سودآوری بانک‌ها و در نتیجه کاهش عملکرد آن‌ها منجر شده است که در نتیجه سرمایه بانک کاهش یافته و بانک‌ها در این حالت باید فرصت‌های سودآور خود را به نحو مطلوب استفاده کنند (ژی و همکاران^۲، ۲۰۲۲). از آنجایی که بانک‌ها در گروه واسطه‌های مالی قرار دارند و در اقتصاد کشورها نقش اساسی بازی می‌کنند و سرمایه‌های افراد را مورد استفاده قرار می‌دهند، پایداری مالی در این بانک‌ها حائز اهمیت است (دای و ژو^۳، ۲۰۲۲).

صندوق بین‌المللی پول نهادی بین‌المللی است که با هدف ارائه مدیریت و نظارت بر نظام مالی و پولی بین‌المللی در کنفرانس برتون و ودز (۱۹۴۴) تأسیس شد. بهبود همکاری پولی بین‌المللی، فراهم کردن امکان رشد تجارت جهانی بهبود ثبات نرخ ارز و کمک به ایجاد نظام چند جانبه پرداخت‌ها از وظایف صندوق اعلام شد. بر اساس رویکرد صندوق بین‌المللی پول، پایداری مالی مرتبط با توانایی پرداخت دیون یعنی توانایی دولت برای باز پرداخت بدهی در افق زمانی نامحدود است. در تعریف دوم، اقتصاددانان بر این باورند که سیاست مالی پایدار تضمین می‌کند که نسبت بدهی به GDP به سطح اولیه خود در بلندمدت بازمی‌گردد. ایران جزو مؤسسان صندوق بین‌المللی پول بوده و همواره سعی کرده است که در نهاد پولی بین‌المللی نقش فعالی داشته باشد؛ اما نهادی که هم اکنون با عنوان صندوق بین‌المللی پول شناخته می‌شود، هدفی غیر از آنچه ابتدا برایش تعیین شده بود، دنبال می‌کند. درواقع، به‌واسطه تغییرات در اقتصاد جهانی، صندوق از یک نهاد پولی بین‌المللی به یک نهاد مالی بین‌المللی تبدیل شده است که حوزه فعالیت گسترده‌تری دارد. در ابتدا، صندوق تنها وظیفه تضمین ثبات در نظام نرخ ارز ثابت را برعهده داشت؛ اما با توجه به تجربه نیم قرن، هم‌اکنون این صندوق وظایف دیگری از جمله تضمین ثبات در نظام بین‌المللی پرداخت‌ها و ثبات در بازارهای مالی را نیز برعهده دارد (نورایی و سعیدی، ۱۳۹۷).

پیشینه تجربی پژوهش

مطالعاتی با محوریت پایداری مالی در نظام بانکی در سال‌های اخیر انجام شده است. تمیزی (۱۴۰۳) عوامل اقتصادی و بانکی مؤثر بر عملکرد مالی بانک‌ها را بررسی کرد. نتایج این پژوهش نشان داد که شاخص فلاکت بر عملکرد مالی بانک‌ها تأثیر معکوس دارد. کریمی و محمدی (۱۴۰۳) مطالعه‌ای تحت عنوان «الگوی مالی پایدار برای کسب‌وکار بانک‌های اجتماعی» انجام دادند. نتایج نشان داد که جریان نقدینگی در بانک اجتماعی با ابزارهای مالی مبتنی بر دارایی، روندی صعودی داشته است؛ در حالی که جریان نقدینگی بانک اجتماعی با ابزار استقراض خرد در بازه‌های زمانی مختلف، رفتار نوسانی از خود نشان می‌دهد.

شرفی، فتحی هفشجانی و احمدی (۱۴۰۲) مطالعه‌ای تحت عنوان شناسایی عوامل مؤثر بر ریسک تأمین مالی پروژه انجام دادند. نتایج این پژوهش نشان داد که در حال حاضر، اقتصاد کشور با وجود تحریم‌های یک‌جانبه و فشارهای

1. Aramonte, Schrimpf & Shin

2. Xie et al.

3. Dai & Zhou

بین‌المللی، به اقتصاد رقابتی تبدیل شده است. با توجه به شرایطی که در عرصه جهانی به وجود آمده، مهم است که در کشور سیستمی انتخاب شود که به اقتصاد مقاومتی کشور کمک کند. یکی از این سیستم‌ها، معرفی راه‌های جدید تأمین مالی است. یکی از چالش‌های مهم بنگاه‌های اقتصادی کشور، نبود مدل‌سازی مناسب برای معادن است. باید برای تأمین مالی، مدل مشخصی ایجاد شود تا بر اساس ریسک و بازدهی، تأمین مالی صورت گیرد. همچنین، در ایران با توجه به وضعیت اقتصادی موجود، لازم است که به غیر از بانک، به بورس مراجعه شود. جمع‌آوری منابع مالی از طریق اپلیکیشن و بازار بورس، برای پروژه‌های کوچک و تأمین مالی منابع آن‌ها، به کمک شرکت‌های تأمین سرمایه جدیدی که از طریق اپلیکیشن به صف جمع‌آوری سرمایه پیوسته‌اند، می‌تواند به نتایج خوبی منجر شود. این روش زمان دسترسی به منابع مالی را به شدت کاهش می‌دهد.

عطائی قراچه، داودی و هرتمنی (۱۴۰۲) مطالعه‌ای تحت عنوان «طراحی و اعتبارسنجی مدل بانکداری پایدار جهت نیل به اهداف اقتصاد مقاومتی» انجام دادند. براساس نتایج این پژوهش، تعهد مدیریتی بر مدیریت ریسک و مدیریت منابع انسانی تأثیرگذار است. نجفی‌مقدم و همکاران (۱۴۰۲) به مطالعه تأثیر اقلام تعهدی و جریان نقد آزاد بر پایداری مالی پرداختند. نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه‌های پژوهش، نشان داد که متغیرهای اقلام تعهدی اختیاری و اجباری و جریان نقد آزاد تأثیر معناداری بر پایداری مالی دارد. لکی و جهانی (۱۴۰۱) رابطه عدم اطمینان سیاست اقتصادی و ثبات بانکی را بررسی کردند. نتایج این پژوهش نشان داد که بین عدم اطمینان سیاست اقتصادی و ثبات بانکی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد.

دارابی، سرایی و تقوی (۱۴۰۰) تأثیر عدم اطمینان سیاست اقتصادی با استفاده از معیارهای ریسک مالی و ریسک اقتصادی بر ریسک سقوط سهام را بررسی کردند. نتایج نشان داد که ریسک اقتصادی و ریسک مالی در کوتاه‌مدت و بلندمدت بر ریسک سقوط سهام اثر مثبت دارد و با افزایش ریسک‌های مربوطه، ریسک سقوط سهام افزایش می‌یابد. لونی، عباسیان و حاجی (۱۴۰۰) مطالعه‌ای تحت عنوان «اثر نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی بر سرمایه‌گذاری شرکتی: شواهدی از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» انجام دادند. نتایج نشان داد که اثر شاخص ترکیبی نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی و همچنین، اثر تمامی متغیرهای نااطمینانی بر سرمایه‌گذاری شرکتی منفی و معنادار است. همچنین نتایج حاکی از تأثیرگذاری بیشتر نااطمینانی سیاست پولی بر سرمایه‌گذاری شرکتی نسبت به نااطمینانی سیاست مالی بود.

ریبی و همکاران (۱۴۰۰) تأثیر ثبات در صنعت بانکداری بر میزان کارایی سیستم بانکی اقتصاد ایران را مورد مطالعه قرار دادند. براساس یافته‌ها، نوسان‌های شدید اقتصادی کشور، موجب کاهش کارایی سیستم بانکی شده است. رضائی و نوروزی (۱۳۹۸) نااطمینانی اقتصادی و تصمیمات وام‌دهی بانک‌ها را بررسی کردند. بر اساس یافته‌ها، متغیر نااطمینانی اقتصادی بر ریسک اعتباری بانک‌ها تأثیر مثبت و معناداری داشته است.

دنگ و لی (۲۰۲۴) در مطالعه خود نشان دادند که عدم قطعیت‌های سیاست‌های اقتصادی جهانی و محلی، برای ریسک نظام‌مند در سیستم بانکی بین‌المللی بسیار مهم است و پایداری مالی بانک‌ها با نوسان‌های اقتصادی ملی و

بین‌المللی، پیوندی ناگسستنی دارد. جئون، یائو، چن و وو^۱ (۲۰۲۴) در مطالعه خود نشان دادند که کنترل ریسک نظام بانکی در شرایط عدم اطمینان اقتصادی در اقتصادهای نوظهور، به سیاست‌های احتیاطی کلان نیازمند است و باید راهبردهای بلندمدت و فراگیر در این زمینه اتخاذ شود. یافته‌های پژوهش هان، هسو، لی و آن^۲ (۲۰۲۳) نشان داد که عدم قطعیت سیاست اقتصادی بر فعالیت‌های بانکداری، هم از منظر مالی و هم از منظر غیرمالی تأثیرهای سوء دارد و ریسک سقوط قیمت سهام را افزایش می‌دهد.

آنتونوپولو، مامالوگو و تئودوراکوپولوس^۳ (۲۰۲۲) در مطالعه خود با عنوان «نقش عدم قطعیت سیاست اقتصادی در پیش‌بینی نوسان‌های بازده سهام در صنعت بانکداری: تحلیل کلان داده»، اظهار کردند که از نظر آماری، اثر مستقیمی از عدم قطعیت سیاست اقتصادی بر نوسان‌های بازده سهام بزرگ‌ترین بانک‌های یونان (آلفا بانک، یوروبانک، بانک ملی یونان و بانک پیرائوس وجود دارد. چنین یافته‌هایی برای گروه‌های خاصی از مردم مانند سرمایه‌گذاران، سیاست‌گذاران و تنظیم‌کننده‌ها بسیار مهم است. بولتون، سوارتزمن، دسپرس، پریرا داسیلوا و سماما^۴ (۲۰۲۱) مطالعه‌ای تحت عنوان «بانک‌های مرکزی، ثبات مالی و هماهنگی سیاست‌ها» در عصر عدم قطعیت آب و هوا انجام دادند. در این پژوهش استدلال می‌شود که بانک‌های مرکزی، در این زمینه، نقش جدید ایفا می‌کنند: کمک به هماهنگ کردن سیاست‌های مورد نیاز برای مبارزه با تغییرات آب‌وهوایی، به‌منظور انجام وظایف خود در زمینه ثبات مالی.

بلیگین، دانیسمان، دمیر و ترازوی^۵ (۲۰۲۱) نیز مطالعه‌ای تحت عنوان «عدم اطمینان اقتصادی و ثبات بانک: بانکداری متعارف در مقابل اسلامی»، در مجله ثبات مالی منتشر کردند. براساس نتایج، بانک‌های متعارف در کشورهایی که دین‌دارترند و از قراردادهای مشارکت سود و زیان سهم بیشتری دارند، بیشتر از عدم اطمینان از نظر ثبات رنج می‌برند. تایلاب^۶ (۲۰۲۰) در تحقیقی با عنوان «استفاده از تجزیه و تحلیل ماتریس اهمیت عملکرد، برای ارزیابی عملکرد مالی بانک‌های آمریکایی در بحران مالی» دریافتند که بانک‌های ورشکسته، به دلیل عملکرد ضعیف خود در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷، مستعد کاهش عملکرد مالی در سال ۲۰۰۸ هستند. برعکس، بانک‌های دارای عملکرد مثبت در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷، به احتمال زیاد، تجربه افزایش ثبات مالی در سال ۲۰۰۸ را خواهند داشت. این مطالعه نشان می‌دهد مدیرانی که از ماتریس اهمیت عملکرد برای اولویت‌بندی تصمیمات مالی خود استفاده می‌کنند، بینش مفهومی مفیدی را به دست می‌آورند. کیم، باتن و رین^۷ (۲۰۲۰) در تحقیقی با عنوان «بحران مالی تنوع بانکی و پایداری ثبات مالی کشورهای عضو OECD»، دریافتند که درجه متوسط متنوع‌سازی بانک، پایداری مالی بانک را افزایش می‌دهد. همچنین تنوع بانکی ثبات بانک را قبل از بحران مالی کاهش داده است؛ اما آن را در طول بحران افزایش می‌دهد. بنابراین در دوره‌های بحرانی، بهتر است بانک‌ها بر عملکردهای سنتی واسطه‌گری، یعنی سپرده‌ها و وام‌ها تمرکز کنند تا اینکه فعالیت‌ها و

1. Jeon, Yao, Chen & Wu

2. Han, Hsu, Li & An

3. Antonopoulou, Mamalougou & Theodorakopoulos

4. Bolton, Svartzman, Despres, Pereira Da Silva & Samama

5. Bilgin, Danisman, Demir & Tarazi

6. Tailab

7. Kim, Batten & Ryn

سرمایه‌گذاری‌های خود را متنوع سازند. حسن، خان و پالتربیری^۱ (۲۰۱۹) در تحقیقی با عنوان «ریسک نقدینگی ریسک اعتباری و پایداری در بانک‌های اسلامی و متعارف» نشان دادند که ریسک اعتباری با ریسک نقدینگی رابطه منفی دارد. بین ریسک نقدینگی و پایداری بانک، رابطه منفی وجود دارد و در نهایت، نتایج نشان داد که بانک‌های اسلامی مدیریت ریسک بهتری دارند.

روش‌شناسی پژوهش

مطالعه حاضر از نظر هدف، پژوهشی کاربردی - توسعه‌ای و از منظر روش گردآوری داده‌ها، پیمایشی - مقطعی است که با رویکرد آمیخته اکتشافی اجرا شده است.

جامعه مشارکت‌کنندگان بخش کیفی، خبرگان نظری (استادان مدیریت و اقتصاد) و خبرگان تجربی (مدیران ارشد و معاونان بانک) در نظر گرفته شده است. این افراد، در زمینه پایداری مالی تجربه کافی داشتند. بانک‌های مورد بررسی در این پژوهش عبارت‌اند از: آینده، اقتصاد نوین، ایران زمین، خاورمیانه، رفاه کارگران، سینا، قرض‌الحسنه رسالت، مرکزی جمهوری اسلامی ایران، پارسیان، پاسارگاد، تات، تجارت، توسعه تعاون، توسعه صادرات ایران، حکمت ایرانیان، دی، سامان، سپه، سرمایه، شهر، صادرات ایران، صنعت و معدن، قرض‌الحسنه مهر ایران، کارآفرین، کشاورزی، گردشگری، مسکن، ملت، ملی ایران، مهر اقتصاد در شهر تهران. به دلیل محدودیت در انتخاب خبرگان و وجود معیارهای خبرگی، براساس دیدگاه میلر، کراس و لوپز^۲ (۲۰۱۰) از پنج معیار کلیدی بودن، سرشناس بودن، دانش نظری، تنوع، انگیزه مشارکت برای انتخاب مشارکت‌کنندگان استفاده شد. همچنین برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری نظری استفاده شد که براساس دیدگاه گلیرز، اشتراوس و استروزل^۳ (۲۰۱۷) روش مناسبی برای تعیین حجم نمونه در روش گراندتئوری است. فرایند نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت و بر این اساس، ۱۰ نفر در بخش کیفی پژوهش مشارکت کردند. جامعه آماری بخش کمی مدیران، کارکنان و کارشناسان صنعت بانکداری بوده است. حجم نمونه با فرمول کوکران برای جوامع بزرگ، ۳۸۴ نفر برآورد شد. برای نمونه‌گیری از روش خوشه‌ای - تصادفی ساده استفاده شد.

برای گردآوری داده‌های پژوهش در بخش کیفی، از مصاحبه نیم‌ساختاریافته استفاده شد؛ زیرا برای مطالعات کیفی که با هدف اکتشافی انجام می‌شوند، مصاحبه‌های نیم‌ساختاریافته مناسب‌تر است. در بخش کمی، از پرسش‌نامه استفاده شد. این پرسش‌نامه براساس سازه‌ها و گویه‌های مستخرج از تحلیل کیفی و کدگذاری مصاحبه‌ها با مقیاس لیکرت پنج درجه، تهیه و تنظیم شد.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش کیفی، از روش گراندتئوری (نظریه‌پردازی داده‌بنیاد) استفاده شد و سازه‌های پایداری مالی در شرایط عدم اطمینان اقتصادی در صنعت بانکداری کشور شناسایی و روابط سازه‌ها تبیین شد. تحلیل کیفی داده‌بنیاد در سه مرحله انجام می‌شود:

1. Hassan, Khan & Paltrinieri
2. Miller, Cross & Lopez
3. Glaser, Strauss & Strutzel

۱. کدگذاری باز. در کدگذاری باز، متن هر مصاحبه سطر به سطر یا به صورت پاراگرافی مرور شد و جمله‌های اصلی آن استخراج و در قالب برجسته‌های مفهومی نام‌گذاری شد. سپس کدهای ایجاد شده بر اساس وجوه اشتراک و شباهت‌هایی که با یکدیگر داشتند، زیر اصطلاحات انتزاعی‌تر، یعنی مقوله‌ها قرار گرفتند.
 ۲. کدگذاری محوری. در این مرحله یک مقوله کدگذاری باز انتخاب شد و در مرکز فرایندی که در حال بررسی آن است (پدیده مرکزی)، قرار گرفت. سپس مقوله‌ها در سطحی بالاتر دسته‌بندی شدند و دیگر مقوله‌های شرایط علی، راهبردها، شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گرها و پیامدها به آن مرتبط شدند. همچنین این مرحله شامل ترسیم یک نمودار است که «الگوی پارادایمی» نامیده می‌شود.
 ۳. کدگذاری گزینشی. مرحله اصلی نظریه داده‌بنیاد است که پژوهشگر بر اساس نتایج کدگذاری باز و محوری، به ارائه نظریه می‌پردازد. برای این کار، پژوهشگر دائم به کتاب‌ها و مقاله‌های چاپ شده در حوزه تردید حرفه‌ای و همچنین، مصادیق و مثال‌های مختلفی که افراد در حین مصاحبه‌ها به آن‌ها اشاره کرده‌اند، مراجعه می‌کند و توانایی تبیین الگوی صورت‌بندی شده خود را با استناد به آن‌ها ارزیابی می‌کند و هر کجا که لازم باشد، به بسط و تعمیق عناصر و روابط این الگو می‌پردازد. در نهایت، بر اساس فرایندی که در متغیر اصلی اتفاق می‌افتاد، نظریه نهایی کشف و در پایان، الگوی مفهومی طراحی می‌شود (اشتراوس و کوربین^۱، ۱۹۹۷).
- ویژگی‌های جمعیت‌شناختی خبرگان در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی خبرگان

ردیف	رده مدیریتی	جنسیت	سن	رتبه علمی	رشته تحصیلی	میزان تجربه	حوزه کاری	مدت زمان مصاحبه
۱	معاون بانک	مرد	۴۲	کارشناسی ارشد	مهندسی مالی	۱۲ سال	بانک	۴۵ دقیقه
۲	هیئت علمی دانشگاه	زن	۲۸	دکتری	اقتصاد	۸ سال	دانشگاه	۳۶ دقیقه
۳	رئیس بانک	مرد	۵۵	دکتری	مهندسی مالی	۲۱ سال	بانک	۵۴ دقیقه
۴	هیئت علمی دانشگاه	مرد	۴۸	دکتری	اقتصاد	۱۵ سال	دانشگاه	۲۸ دقیقه
۵	رئیس بانک	زن	۵۲	دکتری	مهندسی مالی	۱۹ سال	بانک	۶۰ دقیقه
۶	هیئت علمی دانشگاه	زن	۴۳	کارشناسی ارشد	اقتصاد	۹ سال	دانشگاه	۴۰ دقیقه
۷	رئیس بانک	مرد	۵۶	دکتری	اقتصاد	۲۶ سال	بانک	۵۲ دقیقه
۸	رئیس بانک	مرد	۶۱	دکتری	اقتصاد	۲۹ سال	بانک	۶۶ دقیقه
۹	هیئت علمی دانشگاه	مرد	۴۴	دکتری	مهندسی مالی	۱۱ سال	دانشگاه	۳۸ دقیقه
۱۰	معاون بانک	زن	۵۱	دکتری	مهندسی مالی	۱۶ سال	بانک	۴۹ دقیقه

منبع: داده‌های پژوهش

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی بخش کمی در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی بخش کمی

درصد	فراوانی	ویژگی‌های جمعیت‌شناختی
۶۷٪	۲۵۹	مرد
۳۳٪	۱۲۵	زن
۲۵٪	۹۷	کمتر از ۳۵ سال
۴۱٪	۱۵۹	۳۵ تا ۴۵ سال
۳۳٪	۱۲۸	۴۵ سال و بیشتر
۷٪	۲۶	کاردانی
۴۷٪	۱۷۹	کارشناسی
۳۸٪	۱۴۵	کارشناسی ارشد
۹٪	۳۴	دکتری
۲۳٪	۸۸	کمتر از ۱۰ سال
۳۳٪	۱۲۸	۱۰ تا ۱۵ سال
۲۹٪	۱۱۰	۱۵ تا ۲۰ سال
۱۵٪	۵۸	بیش از ۲۰ سال
۱۷٪	۶۸	رئیس شعبه بانک
۱۲٪	۴۷	معاون شعبه بانک
۲۷٪	۱۰۲	مدیران ارشد بانکی
۴۴٪	۱۶۷	کارشناسان بانکی
۱۰۰٪	۳۸۴	کل

منبع: داده‌های پژوهش

در بخش کمی از روش تجزیه و تحلیل اهمیت - عملکرد (تحلیل شکاف) استفاده شد. این مدل توسط مارتیال و جیمز در سال ۱۹۹۷ ارائه شده است. اهمیت فرایند مدل IPA ارزیابی سطح موجود در آسیب‌شناسی و مشخص کردن قوت‌ها و ضعف‌های سیستم و کارایی آن در شناخت اولویت‌ها و اتخاذ استراتژی‌های بهبود، سبب شد که مدل مذکور در زمینه‌های پژوهشی و عملیاتی مختلف به کار گرفته شود. مدل IPA به لحاظ مفهومی مدلی چند شاخصه است که جهت ارزیابی فرایند، شناسایی نقاط ضعف و اولویت‌های بهبود، در تحقیقات علمی به کار گرفته می‌شود که هر شاخص را از دو بُعد اهمیت و عملکرد می‌سنجد. تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش کیفی با نرم‌افزار مکس کیودا ۲۰ و در بخش کمی با نرم‌افزار اسپ‌اس‌اس ۲۲ انجام شد.

یافته‌های پژوهش

برای ارزیابی پایداری مالی در شرایط عدم اطمینان اقتصادی در صنعت بانکداری کشور مصاحبه‌های تخصصی نیم‌ساخت یافته با مدیران صنعت بانکداری انجام شد. در این مرحله، پیش از شروع مصاحبه ۶ سؤال باز مدنظر قرار گرفت

و در طول فرایند مصاحبه نیز، مطابق پیش‌بینی سؤال‌های جدیدی مطرح شد. گراند تئوری مبتنی بر روش پیشنهادی اشتراوس و کوربین (۱۹۹۷)، شامل کدگذاری‌های باز، محوری و انتخابی انجام شد. در مرحله کدگذاری باز، ۲۲۷ کد شناسایی شد. در نهایت، از طریق کدگذاری محوری، به ۶ کد گزینشی، ۹ کد محوری و ۶۸ کد باز شناسایی شد. شاخص‌های الگوی پایداری مالی مستخرج از مصاحبه‌ها به روش گراند تئوری در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. شاخص‌های الگوی پایداری مالی

کدگذاری گزینشی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
شرایط علی	عوامل سازمانی	پشتیبانی و حمایت مدیران بانکی از پایداری مالی برنامه‌ریزی استراتژیک پایداری مالی بازنگری و مهندسی مجدد ساختارهای بانکی کنترل و پایش پیوسته عملکرد پایداری بانک آموزش و توانمندسازی نیروی انسانی تخصیص و تأمین بودجه کافی برای پایداری مالی
	مدیریت مشتری	پاسخ‌گویی به نیازها و خواسته‌های مشتریان افزایش تعامل دوسویه با مشتریان برقراری ارتباط بلندمدت با مشتریان نظام رسیدگی به شکایات مشتریان پایش پیوسته نیازهای مشتریان افزایش رضایت مشتریان تشویق مشتریان به پس‌انداز
	سیاست‌های مالی	بازنگری در نرخ بهره‌های بانکی تصحیح و به‌روزرسانی قوانین مالی بازنگری در قوانین اعطای وام سیاست‌های بانکداری شرکتی سیاست‌های مبارزه با فساد مالی تمکین از قوانین مالی بالادستی تسهیل فرایندهای عملیات پولی و مالی حذف کاغذبازی‌های اضافی در عملیات بانکی
شرایط زمینه‌ای	مسئولیت اجتماعی بانک	پایبندی و احترام به قوانین جامعه نظم و انضباط اخلاقی حاکم بر بانک قوانین و استانداردهای روشن اجتماعی پایش انتظارات و خواسته‌های جامعه توجه به مسائل قانونی پیرامون جامعه توجه به مسائل اقتصادی جامعه اخلاق‌مداری در رابطه با مسائل اجتماعی لزوم پاسخ‌گویی به مسائل اجتماعی
پدیده محوری	پایداری مالی	ثبات درآمدزایی صنعت بانکداری توانایی تحقق تعهدهای مالی در موعد مقرر ظرفیت مالی در برابر شوک‌های اقتصادی ثبات سرمایه‌گذاری در بانک‌ها

کدگذاری گزینشی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
		آرامش بازارهای پولی و مالی کشور درآمدزایی پایدار نظام بانکی شفافیت عملکرد مالی صنعت بانکداری کاهش فساد مالی در نظام بانکی
شرایط مداخله‌گر	عدم اطمینان اقتصادی	تحریم‌های اقتصادی گسترده تحریم نظام بانکی کشور شرایط رکود تورمی کشور نوسان‌های شدید اقتصادی کشور ناسازگاری قوانین جاری با شرایط روز عدم اطمینان نسبت به سرمایه‌گذاری سیاست‌های ناکارآمد اقتصادی کشور بی‌اعتمادی عمومی به تصمیم‌های اقتصادی
راهنمها و اقدامات	استراتژی بانکداری پایدار	چشم‌انداز روشن بانکداری پایدار مأموریت‌های معین در راستای بانکداری پایدار «هدف‌گذاری بلندمدت بانکداری پایدار استراتژی مشخص در راستای هدف‌های بلندمدت هدف‌گذاری کوتاه‌مدت بانکداری پایدار خط‌مشی‌های اجرایی هدف‌های کوتاه‌مدت ارائه روندها و رویه‌های اجرایی بانکداری پایدار تدوین و ابلاغ قوانین و مقررات اجرایی بانکداری پایدار
	پایداری زیست‌محیطی	بهبود عملکرد زیست‌محیطی بانک نهادینه‌سازی فرهنگ احترام به محیط‌زیست پشتیبانی از شرکت‌های فعال در تولید پاک بانکداری بدون کاغذ و سبز به‌کارگیری فرایندهای بانکداری سبز
پیامدها	پایداری اقتصادی	افزایش سهم بازار افزایش تراکنش‌های بانکی نزد مشتریان افزایش میزان پس‌انداز و سرمایه‌گذاری مشتریان افزایش بازگشت سرمایه بهبود سودآوری نظام بانکی
	پایداری اجتماعی	حضور در خیریه‌ها و کمک‌های مردمی برگزاری و پشتیبانی از همایش‌های اجتماعی کمک به فعالیت‌های عام‌المنفعه حضور فعال در رویدادهای اجتماعی پاسخ‌گویی به خواسته‌های اجتماعی

منبع: یافته‌های پژوهش

شرایط علی

شرایط علی شامل مقوله‌هایی است که بر مقوله محوری تأثیر می‌گذارند. شرایط علی رویدادهایی هستند که موقعیت‌ها،

مبحث‌ها و مسائل مرتبط با پدیده محوری را تاحدی خلق و تشریح می‌کنند که چرا و چگونه افراد و گروه‌ها به‌این پدیده مبادرت می‌ورزند. در واقع، منظور از شرایط علی، رویدادهایی است که براین پدیده تأثیر می‌گذارند و به بروز آن منجر می‌شوند.

شرایط زمینه‌ای: شرایط زمینه‌ای یا بستر ساز، به شرایطی گفته می‌شود که راهبردها و اقدامات تحت آن، به اداره پدیده محوری می‌پردازند.

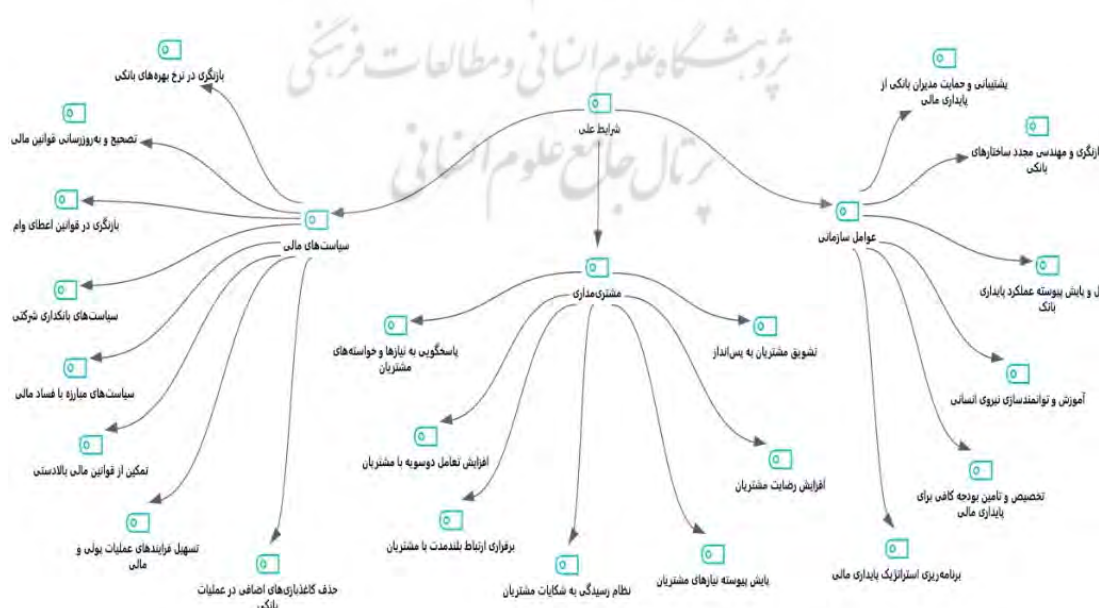
پدیده یا مقوله محوری: نام یا اصطلاحی است که برای پدیده محوری به کار می‌رود. این پدیده باید به قدر کافی انتزاعی باشد تا بتواند در انجام پژوهش در دیگر عرصه‌های خرد و واقعی استفاده شود و محققان را به سمت ایجاد یک نظریه عمومی‌تر هدایت کند.

شرایط مداخله‌گر: این شرایط، شرایط وسیع و عامی نظیر فرهنگ، فضا و... است که به‌عنوان عوامل تسهیل‌کننده یا محدودکننده راهبردها عمل می‌کنند. این شرایط، اجرای راهبردها را تسهیل و تسریع یا در مواردی به‌عنوان یک مانع، دچار تأخیر می‌کند.

راهبردها و اقدام‌ها: در واقع کنش‌ها یا برهم‌کنش‌های خاصی که از پدیده محوری نتیجه می‌شوند، راهبردها و اقدام‌ها هستند. راهبردها و اقدام‌ها، طرح‌ها و کنش‌هایی هستند که به اجرای فرایند مدل کمک می‌کنند.

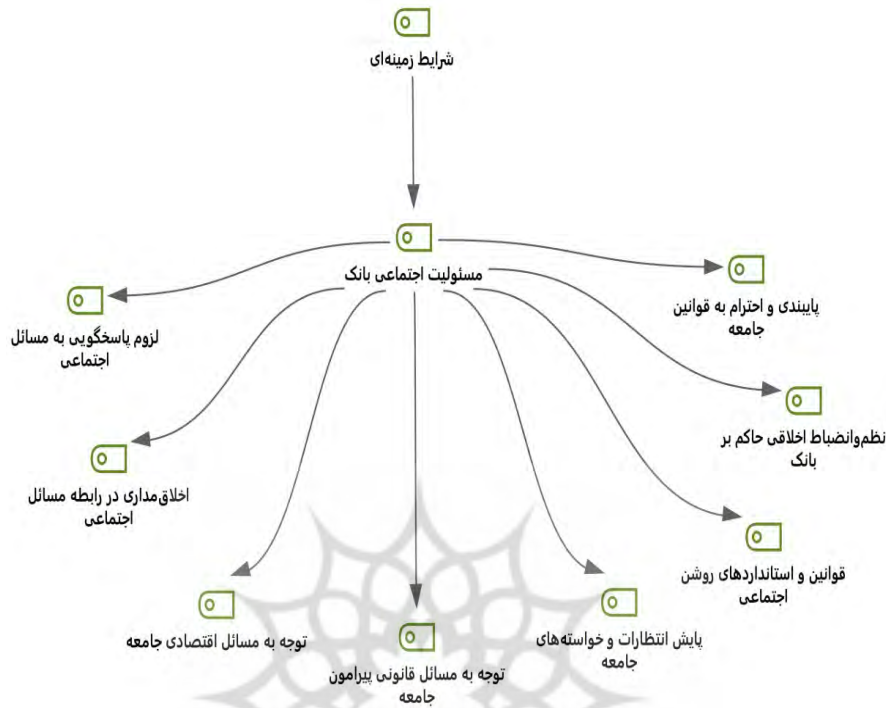
پیامدها: پیامدها شامل پیامدهای مشهود و نامشهودی است که در اثر اجرای مدل در جامعه یا سازمان‌های مربوطه ایجاد می‌شود و خروجی‌های حاصل از استخدام راهبردها هستند (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۷).

در شکل ۱، شرایط علی مدل پارادایمی پژوهش ارائه شده است.



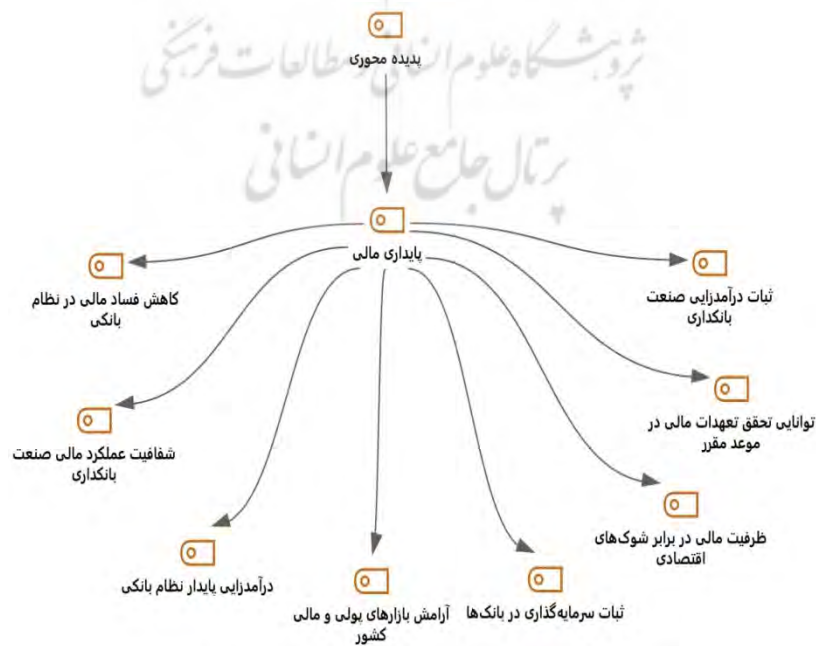
شکل ۱. شرایط علی مدل پارادایمی پژوهش

در شکل ۲، شرایط زمینه‌ای مدل پارادایمی پژوهش ارائه شده است.



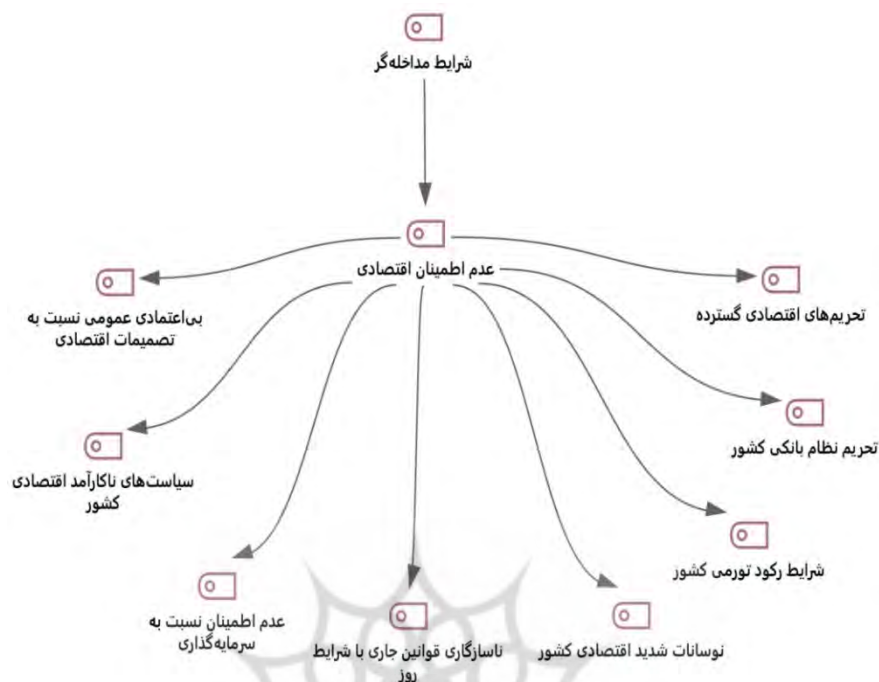
شکل ۲. شرایط زمینه‌ای مدل پارادایمی پژوهش

در شکل ۳، پدیده محوری مدل پارادایمی پژوهش ارائه شده است.



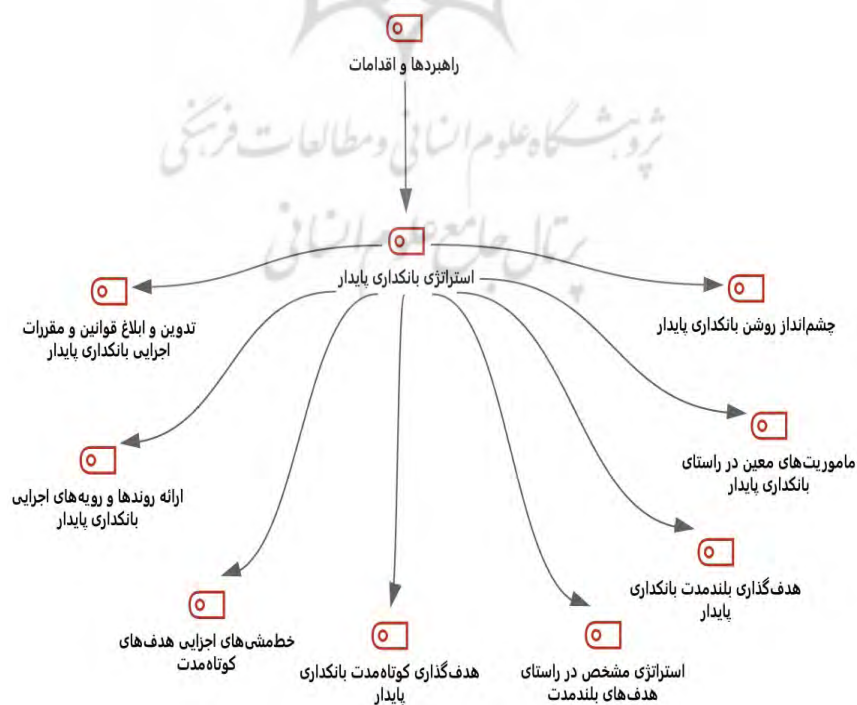
شکل ۳. پدیده محوری مدل پارادایمی پژوهش

در شکل ۴، شرایط مداخله‌گر مدل پارادایمی پژوهش ارائه شده است.



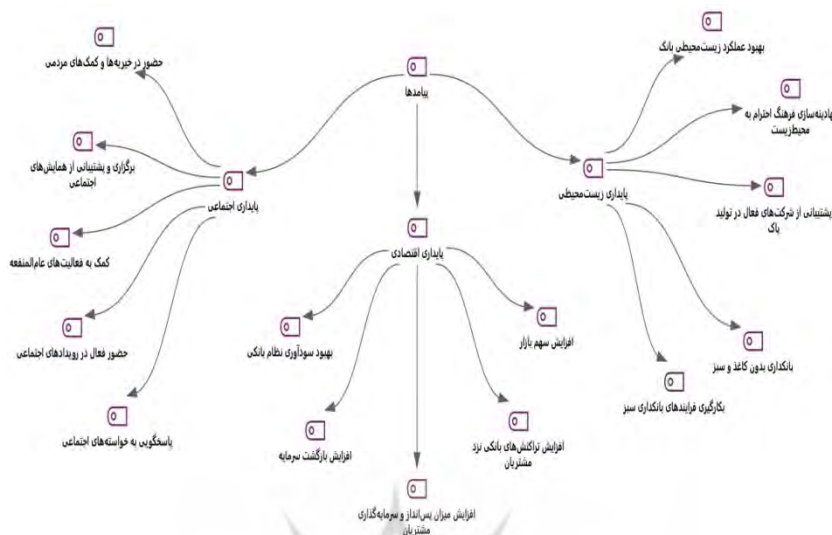
شکل ۴. شرایط مداخله‌گر مدل پارادایمی پژوهش

در شکل ۵، راهبردها و اقدام‌های مدل پارادایمی پژوهش ارائه شده است.



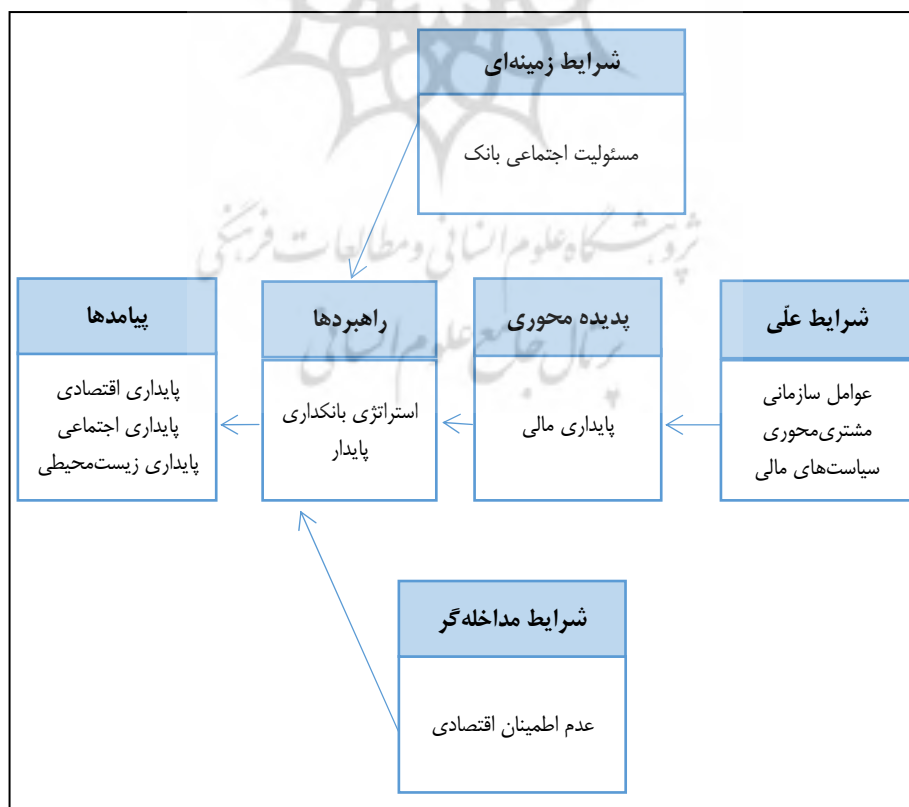
شکل ۵. راهبردها و اقدامات مدل پارادایمی پژوهش

در شکل ۶ پیامدهای مدل پارادایمی پژوهش ارائه شده است.



شکل ۶. پیامدهای مدل پارادایمی پژوهش

براساس نتایج نظریه پردازی داده بنیاد، مدل پارادایمی حاصل در شکل ۷ ارائه شده است.



شکل ۷. مدل پارادایمی پایداری مالی در شرایط عدم اطمینان اقتصادی در صنعت بانکداری کشور

در پژوهش حاضر بر اساس شاخص‌های ده‌گانه تناسب (هم‌خوانی با سایر تجربه‌ها)، منطقی بودن روایت پژوهش، کاربردی یا مفید بودن نتایج، عمق (بیان تفصیلی روایت پژوهش)، مفاهیم، بداعت، حساسیت (میزان درگیری ذهن پژوهشگر در پژوهش)، استفاده از یادداشت‌ها، زمینه‌یابی (محیط) مفاهیم اشتراوس و کوربین برای ارزیابی میزان مقبولیت رویکرد داده‌بنیاد، نتایج تحلیلی بررسی و تأیید شد.

برای بررسی پایایی بخش کیفی، از روش هولستی^۱ استفاده شد. برای این منظور متن مصاحبه‌های انجام شده در دو مرحله کدگذاری و درنهایت درصد توافق مشاهده‌شده (PAO)^۲ محاسبه شد:

$$\text{PAO} = \frac{2M}{N1 + N2} = \frac{2 * 240}{357 + 319} = 0.710 \quad (\text{رابطه ۱})$$

در رابطه ۱، M تعداد موارد کدگذاری مشترک بین دو کدگذار؛ N1 و N2 به‌ترتیب تعداد کلیه موارد کدگذاری شده توسط کدگذارهای اول و دوم است. مقدار PAO بین صفر (عدم توافق) و یک (توافق کامل) قرار می‌گیرد و اگر از ۰/۷ بزرگ‌تر باشد، مطلوب است. مقدار PAO در این مطالعه ۰/۷۱ و بیشتر از مقدار ۰/۷ به‌دست آمده است (هولستی، ۱۴۰۰، مترجم سالارزاده امیری).

پس از آنکه سازه‌های پایداری مالی در شرایط عدم اطمینان اقتصادی شناسایی شدند، به بررسی وضعیت آن‌ها در صنعت بانکداری کشور پرداخته شد. برای این منظور، هر شاخص از دو منظر وضعیت موجود (عملکرد) و وضعیت مطلوب (اهمیت) بررسی شد. برای بررسی شکاف بین وضعیت موجود و مطلوب عملکرد در زمینه هریک از سازه‌های پایداری مالی در شرایط عدم اطمینان اقتصادی، از آزمون t زوجی (وابسته) استفاده شده است. با استفاده از این آزمون شکاف بین انتظارات و ادراکات در زمینه سازه‌های پایداری مالی در شرایط عدم اطمینان اقتصادی بررسی شده است. برای انجام این آزمون، فرض صفر $[H_0]$ به این صورت تنظیم می‌شود که تفاوتی بین انتظارات و ادراکات کارشناسان در بُعد عوامل مورد بررسی وجود ندارد. فرض مخالف یا $[H_A]$ نشان می‌دهد که اختلاف انتظارات و ادراکات آنان معنادار است. بیان آماری فرض‌های آزمون به‌صورت زیر است:

$$\begin{cases} H_0: \mu_p = \mu_e \\ H_A: \mu_p \neq \mu_e \end{cases}$$

در این رابطه μ_p میانگین ادراکات (وضعیت موجود) و μ_e میانگین انتظارات (وضعیت مطلوب) در رابطه با هر منظر است.

در جدول ۴ آزمون t زوجی مربوط به سازه‌های ارزیابی پایداری مالی در شرایط عدم اطمینان اقتصادی ارائه شده است. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از آزمون t زوجی مندرج جدول ۴ و مقدار معناداری مشاهده شده در سطح خطای ۵درصد، می‌توان ادعا کرد که در تمامی موارد (به‌جز عدم اطمینان اقتصادی) اهمیت با عملکرد فاصله دارد و ادراکات افراد کمتر از انتظارات آن‌ها بوده است. مقدار معناداری کوچک‌تر از سطح خطای ۵درصد و آماره تی نیز از مقدار بحرانی ۱/۹۶

1. Holsti

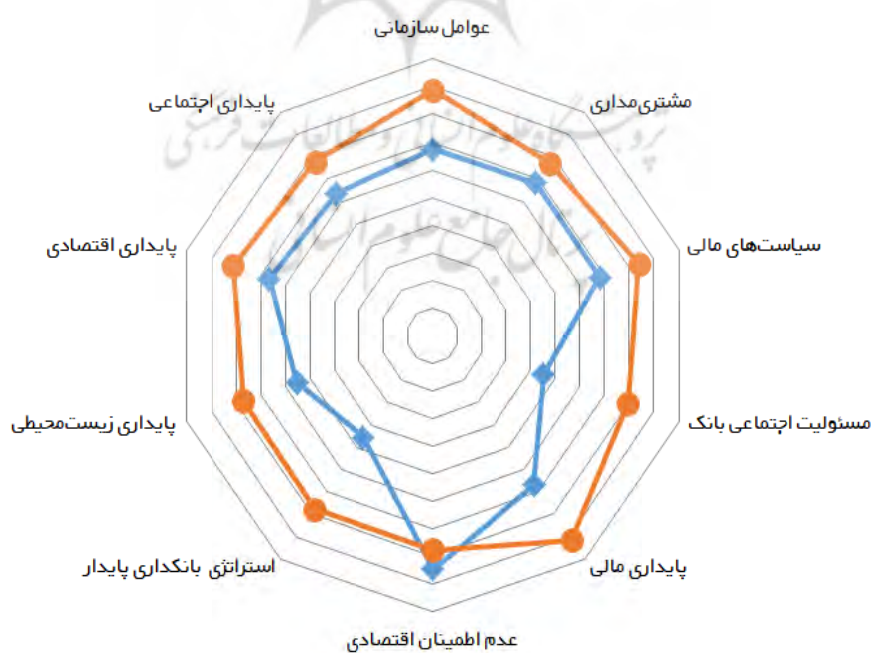
2. Percentage of Agreement Observation

بزرگ‌تر است. بنابراین شکاف مشاهده‌شده معنادار است؛ به عبارت دیگر، فاصله معناداری بین آنچه هست با آنچه باید باشد وجود دارد. این تفاوت در قالب نمودار رادار در شکل ۸ ارائه شده است.

جدول ۴. آزمون t زوجی مربوط به سازه‌های ارزیابی پایداری مالی در شرایط عدم اطمینان اقتصادی

سازه‌های پژوهش	عملکرد	اهمیت	شکاف	معناداری	آماره تی	نتیجه
عوامل سازمانی (C۰۱)	۳/۳۷۳	۴/۴۳۸	۱/۰۶۵	۰/۰۰۰	۱۹/۳۰۳	معنادار
مشتری‌مداری (C۰۲)	۳/۴۰۵	۳/۸۶۴	۰/۴۵۹	۰/۰۰۰	۹/۸۱۸	معنادار
سیاست‌های مالی (C۰۳)	۳/۴۰۱	۴/۱۸۶	۰/۷۸۵	۰/۰۰۰	۱۴/۹۹۳	معنادار
مسئولیت اجتماعی بانک (C۰۴)	۲/۲۶۵	۳/۹۷۶	۱/۷۱۱	۰/۰۰۰	۱/۱۰۴	معنادار
پایداری مالی (C۰۵)	۳/۳۴۳	۴/۵۸۲	۱/۲۳۹	۰/۰۰۰	۶/۴۴۵	معنادار
عدم اطمینان اقتصادی (C۰۶)	۴/۲۳۱	۳/۸۸۵	-۰/۳۴۶	۰/۰۰۰	-۷/۶۸۹	معنادار
استراتژی بانکداری پایدار (C۰۷)	۲/۲۸۱	۳/۸۸۹	۱/۶۰۸	۰/۰۰۰	۲۵/۴۸۸	معنادار
پایداری زیست‌محیطی (C۰۸)	۲/۷۶۶	۳/۸۵۳	۱/۰۸۷	۰/۰۰۰	۱۵/۵۵۶	معنادار
پایداری اقتصادی (C۰۹)	۳/۳۳۱	۴/۰۶۷	۰/۷۳۶	۰/۰۰۰	۱۲/۸۴۵	معنادار
پایداری اجتماعی (C۱۰)	۳/۱۸۳	۳/۸۸۱	۰/۶۹۸	۰/۰۰۰	۱۳/۵۵۰	معنادار

منبع: یافته‌های پژوهش



شکل ۸. نمودار رادار اختلاف بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب

بر اساس شکل ۸ مشخص است که در زمینه «مشتري مداری» انتظارات (اهمیت) به ادراکات (عملکرد) نزدیک است؛ اما در مورد متغیرهایی مانند «استراتژی بانکداری پایدار»، «پایداری زیست محیطی»، «پایداری مالی» و «مسئولیت اجتماعی بانک» از شکاف بیشتری برخوردار است. همچنین در مورد «عدم اطمینان اقتصادی» نمره وضعیت وجود از میزان اهمیت آن فراتر رفته است. در مورد شاخص‌هایی نظیر «عوامل سازمانی»، «پایداری اجتماعی»، «پایداری اقتصادی»، «سیاست‌های مالی»، فاصله میان انتظارات (اهمیت) به ادراکات (عملکرد) مورد قبول است.

بر این اساس می‌توان اذعان کرد که صنعت بانکداری کشور، در حوزه مشتری مداری به خوبی عمل کرده است. در ادامه، توجه به عواملی نظیر «استراتژی بانکداری پایدار»، «پایداری زیست محیطی»، «پایداری مالی» و «مسئولیت اجتماعی بانک»، بیش از پیش باید مدنظر مدیران این صنعت قرار گیرد؛ زیرا با گذر زمان و عدم رسیدگی به آن، شاهد افزایش شکاف عوامل مذکور از وضعیت مطلوب خواهیم بود. مدیران صنعت بانکداری کشور با استخدام و انتصاب مدیران و متخصصان شایسته و حاذق، می‌توانند بر چالش‌های محیطی غلبه کنند و آن‌ها را تا حد ممکن کاهش دهند. همچنین شاخص عدم اطمینان اقتصادی، منفی به دست آمده است که این وضعیت نشانه خوبی نیست؛ یعنی عدم اطمینان اقتصادی آنقدر زیاد است که حتی از میزان اهمیتی که به آن داده می‌شود نیز، فراتر رفته است و این در سایه تحریم، رکود تورمی، سکوت قوانین و بی‌اعتمادی عمومی رقم خورده است و شایسته توجه بیشتری است.

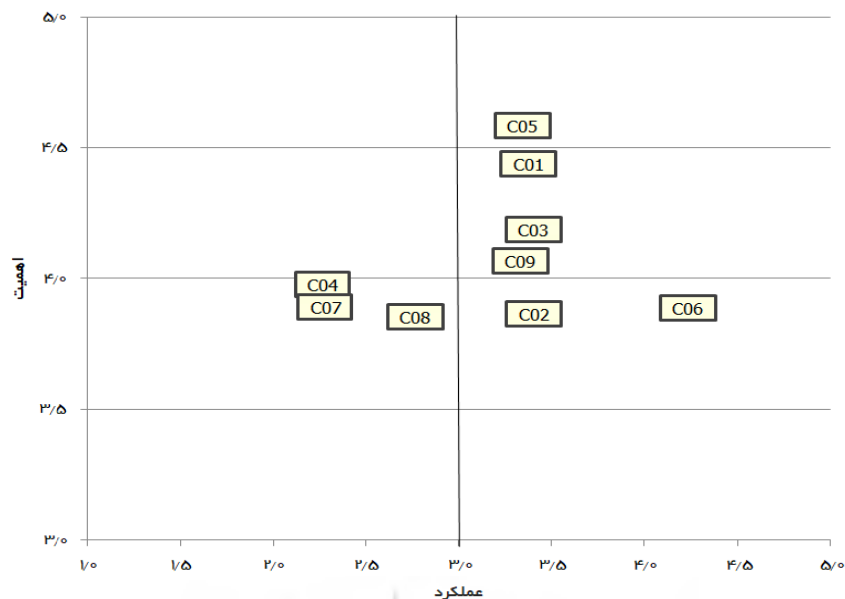
در ادامه، هر شاخص از دو منظر بررسی شد. منظر اهمیت^۱ که با I و منظر عملکرد^۲ که با P نمایش داده می‌شود. از آنجا که تحلیل جداگانه داده‌های بُعدهای عملکرد و اهمیت، به‌ویژه زمانی که هر مجموعه داده‌ها هم‌زمان مورد مطالعه قرار می‌گیرند، ممکن است معنادار نباشد، داده‌های مربوط به سطح اهمیت (وضع مطلوب) و عملکرد (وضع موجود) شاخص‌ها، روی شبکه‌ای دوبعدی که در آن، محور Y نشان‌دهنده بُعد اهمیت و محور X گویای بُعد عملکرد است، نشان داده می‌شوند. این شبکه دوبعدی ماتریس اهمیت/عملکرد یا ماتریس IP نامیده می‌شود. نقش ماتریس IP که در واقع از چهار قسمت یا ربع تشکیل شده است و در هر ربع راهبرد خاصی قرار دارد، کمک به فرایند تصمیم‌گیری است. از این ماتریس برای تعیین اولویت شاخص‌ها جهت بهبود استفاده می‌شود (حبیبی و سرآبادانی، ۱۴۰۱).

بر اساس اینکه هر شاخص چه میزان اهمیت دارد (وضعیت مطلوب) و عملکرد در زمینه این شاخص در چه حد

است (وضعیت موجود) چهار ربع قابل تشخیص است:

- حیطه بی‌تفاوتی: عملکرد پایین - اهمیت پایین؛
- حیطه اتلاف: عملکرد بالا - اهمیت پایین؛
- حیطه ضعف: عملکرد پایین - اهمیت بالا؛
- حیطه قابل قبول: عملکرد بالا - اهمیت بالا.

نتایج ارزیابی اهمیت - عملکرد در شکل ۹ ارائه شده است.



شکل ۹. نتیجه ارزیابی اهمیت - عملکرد

براساس نتایج تحلیل اهمیت - عملکرد و از آنجا که همه شاخص‌های شناسایی شده، اهمیت زیادی داشتند، دو ناحیه «بی تفاوتی» و «اتلاف» وجود ندارد. سازه‌های مسئولیت اجتماعی بانک، استراتژی بانکداری پایدار و پایداری زیست‌محیطی در ناحیه «ضعف» قرار دارند؛ زیرا با وجود اهمیت زیاد، عملکرد ضعیفی نشان داده‌اند. به نظر می‌رسد سایر سازه‌ها در ناحیه «قابل قبول» قرار دارند؛ اما در واقع چنین نیست. نمره وضعیت موجود بالاتر از میانگین برای سازه عدم اطمینان اقتصادی که سازه‌ای منفی است، نشانه خوبی نیست و در واقع میانگین نمره بالاتر از حد وسط برای این سازه نشان می‌دهد که عدم اطمینان اقتصادی در وضعیت مطلوبی قرار ندارد. در نهایت، سازه‌های عوامل سازمانی، مشتری‌مداری، سیاست‌های مالی، پایداری مالی، پایداری اقتصادی و پایداری اجتماعی، در ناحیه قابل قبول قرار دارند؛ اما با عنایت به تحلیل اهمیت - عملکرد، فاصله این سازه‌ها با آنچه باید باشد، شکاف معناداری را نشان می‌دهد. در حال حاضر، بانک‌ها و مؤسسه‌ها با سرعت در خلق و اجرای خدمات نوین، گوی سبقت را از یکدیگر می‌ربایند و سعی می‌کنند مشتری‌مداری را به معنای واقعی کلمه اجرایی کنند؛ با وجود این، دستگاه‌های خودپرداز، بانکداری اینترنتی، بانکداری همراه و خدماتی نظیر این‌ها، جزء مزیت‌های رقابتی محسوب نمی‌شوند؛ زیرا در حال حاضر، این ابزارها در اختیار اکثر بانک‌ها و مؤسسه‌ها قرار دارند. آنچه باعث مزیت رقابتی سازمان‌ها می‌شود، سرعت در ارائه خدمات، هزینه پایین خدمات ارائه شده، تحویل به موقع خدمات به مشتری و کیفیت خدمات است. در حوزه درون سازمانی نیز، هر سازمانی که بتواند حداکثر استفاده را از فناوری ایجاد شده داشته باشد، در واقع توانسته است از دیگر رقبا در این عرصه پیشی بگیرد؛ از این رو، روش به کارگیری و نحوه استفاده از این ابزارها را می‌توان زیرساختی برای ایجاد مزیت رقابتی آن سازمان دانست. سرعت یکی از مهم‌ترین ثروت‌ها در هزاره سوم است که در سایه تکنولوژی اطلاعات فراهم شده است. یکی از رویکردهای به وجود آمده در راستای چنین تحولی، بانک‌های دوگانه است. بانک‌های دوگانه با توجه به ساختاری که

انتخاب کرده‌اند، به‌خوبی می‌توانند با انعطاف‌پذیری زیاد و سرعت مناسب، خدمات بانکی را در دو فضای سنتی و الکترونیکی پاسخ دهند. بانکداری دوگانه، به مشتریان این امکان را می‌دهد که سطح گسترده‌ای از نقل و انتقالات وجوه و اطلاعات را به‌شیوه سنتی و الکترونیکی انجام دهند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پژوهش حاضر با هدف ارزیابی پایداری مالی در شرایط عدم اطمینان اقتصادی در صنعت بانکداری کشور با رویکرد اهمیت - عملکرد انجام شد. براساس نتایج بخش کیفی و مدل پارادایمی پژوهش، مشخص شد عوامل سازمانی، مشتری‌محوری و سیاست‌های مالی، بر پایداری مالی بانک‌ها تأثیر می‌گذارد. درخصوص عوامل سازمانی می‌توان اذعان کرد که بسترها و زیرساخت‌های مورد نیاز بانکداری و ارتباطات خوب بین واحدی در سامانه بانکداری، تمامی فعالیت‌های یک بانک را اعم از عملیات شعبه و اداره‌ها دربرمی‌گیرد و ضمن مدیریت کل فرایندها، امکان کنترل و بررسی صحت و صدور مجوزهای لازم برای اجرای عملیات را به‌صورت یکپارچه فراهم می‌سازد. در واقع با داشتن سامانه یکپارچه بانکی، امکان انجام عملیات بین شعبه‌ای فراهم می‌شود و بانک به‌صورت مجموعه‌ای به‌هم پیوسته فعالیت خود را ادامه می‌دهد. همچنین امکان تهیه انواع گزارش‌های مالی در زمینه تراز کل بانک، میزان سود و زیان بانک، تسهیلات و... با برقراری ارتباطات خوب بین واحدی، فراهم می‌شود.

درخصوص تأثیرگذاری سیاست‌های مالی می‌توان گفت که در کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران، درجه بالایی از نااطمینانی وجود دارد. رشد تولید، تورم، نرخ ارز و سایر متغیرهای مهم اقتصاد کلان، نسبت به اقتصاد کشورهای صنعتی در معرض نوسان بیشتری هستند. در این کشورها، ساختارهای اقتصادی به‌طور کامل شکل نگرفته‌اند و متغیرهای مؤثر بر سودآوری بانک‌ها، به‌علت قدرت انحصار و بزرگی دولت، به‌شدت از تصمیم‌های ناگهانی و شتاب‌زده سیاست‌گذاران و دولت‌مردان تأثیر می‌پذیرند. شوک‌های اقتصادی با توجه به تأثیرگذاری بر متغیرهای خاص اقتصاد کلان، نابسامانی فعالیت‌های اقتصادی را موجب می‌شوند، بی‌ثباتی اقتصادی را ایجاد می‌کنند و باعث عدم اطمینان در متغیرهای اقتصادی از جمله تولید ناخالص داخلی، قیمت‌ها، نرخ بهره و... می‌شوند که این نااطمینانی به برهم‌زدن تعادل فعالیت‌های مؤسسه‌های پولی و مالی می‌انجامد. بانک‌ها یکی از نهادهای مؤثر در رشد اقتصادی هستند. این بنگاه‌های اقتصادی با جذب سپرده‌های مردم و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های اقتصادی، موجب اشتغال‌زایی در جامعه می‌شوند و نقش مهمی در تولید ملی ایفا می‌کند. بانک‌ها به‌منظور مقابله با تهدیدها و استفاده از فرصت‌ها، لازم است از طریق شناسایی ظرفیت‌های داخل (سهام‌داران) در جهت افزایش سرمایه باشند یا از طرق مختلف، برای سوددهی و تأمین منابع مالی خود تلاش کنند.

درخصوص تأثیرگذاری مشتری‌مداری می‌توان گفت که در بازار فوق‌العاده پویا، مشتری از بانک انتظار دارد و بانک‌ها نیز مدام به‌دنبال روش‌های جدید و ایجاد نوآوری هستند. داشتن درک صحیح از انتظارات مصرف‌کنندگان، مزیت‌های متعددی را به همراه دارد. برخی از این مزیت‌ها عبارت‌اند از: کمک به مدیران در جهت تصمیم‌گیری، تهیه

مبنای شناختی، کمک به قانون‌گذاران و تنظیم‌کنندگان برای وضع قوانین مربوط به خریدوفروش کالا و خدمات و در نهایت، کمک به مصرف‌کنندگان برای تصمیم‌گیری بهتر. در این راستا، نتایج مطالعه تمیزی (۱۴۰۳) نشان داد که شاخص فلاکت، بر عملکرد مالی بانک‌ها تأثیر معکوس دارد. نتایج مطالعه عطائی قراچه و همکاران (۱۴۰۲) نیز نشان داد تعهد مدیریتی بر مدیریت ریسک و مدیریت منابع انسانی تأثیرگذار است. این نتایج در ابعاد مدیریتی و تصمیم‌گیری مدیران با نتایج این پژوهش هم‌سو است.

همچنین نشان داده شد که مسئولیت اجتماعی بانک زمینه و بستر لازم را ایجاد می‌کند. این مهم نشان‌دهنده ایجاد زیرساخت مناسب برای تسهیل در حصول اهداف پایداری مالی در بانک است. همچنین، عدم اطمینان اقتصادی، عامل مداخله‌گری با تأثیرگذاری منفی است که در تدوین استراتژی بانکداری پایدار تأثیرگذارند. بانک‌ها در کشورها به‌عنوان منبع پول و ثروت شناخته می‌شوند و به همین دلیل، جامعه از آنان انتظار دارد به ازای ثروتی که از محل سرمایه‌گذاری و پس‌انداز مردم کسب می‌کنند، خدماتی به اعضای ضعیف‌تر و آسیب‌پذیر یا نیازمند جامعه ارائه دهند.

درواقع این پژوهش به تأثیر مسئولیت اجتماعی بانک‌ها بر پایداری مالی اشاره می‌کند؛ اما نیاز به بررسی بیشتری دارد تا مشخص شود چرا و چگونه مسئولیت اجتماعی، در اوضاع اقتصادی ایران می‌تواند به پایداری مالی منجر شود. در این راستا، نتایج مطالعه محمدی (۱۴۰۳) نیز بیان‌کننده آن است که جریان نقدینگی در بانک اجتماعی با ابزارهای مالی مبتنی بر دارایی، روندی صعودی داشته است؛ در حالی که جریان نقدینگی بانک اجتماعی با ابزار استقراض خُرد در بازه‌های زمانی مختلف، رفتار نوسانی از خود نشان می‌دهد.

درمجموع می‌توان گفت که فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی، می‌تواند سودآوری بانک را افزایش دهد و باعث افزایش عملکرد مالی شود. فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی، به بانک‌ها کمک می‌کند تا مشتریان را جذب و کارکنان واجد صلاحیت را حفظ کنند که این برای بانک‌ها دارایی‌های نامشهود ارزشمند محسوب می‌شود. این دارایی‌های نامشهود، ثبات بانک‌ها را از طریق بهبود موقعیت رقابتی و به سهم خود، عملکرد مالی‌شان افزایش می‌دهد. همچنین بین بُعد اقتصادی مسئولیت اجتماعی و پایداری سود، رابطه مثبتی وجود دارد؛ به این معنا که افزایش و ثبات در سودآوری می‌تواند با ایفای جنبه اقتصادی مسئولیت اجتماعی بانک تسهیل شود.

از سویی دیگر مسئولیت اجتماعی در حوزه محیط زیست، وظیفه پوشش پیامدهای زیست محیطی فعالیت‌ها، محصولات و امکانات یک بانک را برعهده دارد. اجزای اصلی مسئولیت اجتماعی زیست محیطی عبارت است از: حذف زباله و کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، به حداکثر رساندن بهره‌وری و مصرف بهینه انرژی و به حداقل رساندن شیوه‌هایی است که ممکن است بر استفاده از منابع طبیعی در نسل‌های آینده تأثیر منفی بگذارد.

در نهایت، نتایج نشان داد که استراتژی بانکداری پایدار، به پایداری اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی منجر می‌شود. بانک‌ها در تجهیز و تخصیص منابع، شناسایی فرصت‌های سرمایه‌گذاری و متنوع‌سازی ریسک نقش مهمی ایفا می‌کنند. بنابراین، ساختار و کارایی بخش بانکی، به‌عنوان بُعد مستقل توسعه مالی مورد توجه است. از نظر کمیته بانکی بال، یکی از مهم‌ترین عوامل ضعف و کاستی در بخش بانکی، کمبود منابع مالی و وام دهی بانک‌ها به سایر بخش‌های

اقتصادی است. ضعف و ناکارآمدی در تأمین مالی، از فقدان ساختار مطلوب سرمایه در نظام بانکی و تأمین مالی پایدار با هدف ارائه تسهیلات مطمئن حکایت می‌کند.

در ادبیات جهانی چندین مفهوم در قرابت معنایی با اقتصاد مقاومتی وجود دارد که مهم‌ترین این مفاهیم عبارت‌اند از: تاب‌آوری اقتصادی، آسیب‌پذیری اقتصادی، هم‌بستگی اقتصادی، ثبات اقتصاد کلان و ضدشکنندگی اقتصادی. برای مثال در مطالعه سنجش درجه مقاومت نظام بانکداری اسلامی، برای شاخص‌سازی در خصوص مقاومت از روش سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه که روشی ده‌مرحله‌ای برای طراحی و برآورد شاخص‌های ترکیبی است، استفاده شد. بر این اساس، مؤلفه‌های شش‌گانه استخراج شده مقاومت، از جمله عدالت اقتصادی، مردم‌محوری، دانش‌بنیانی، فرهنگ جهادی، برون‌گرایی و درون‌زایی، شاخص ترکیبی مقاومت بانکداری اسلامی محاسبه و میزان مقاومت بانکی و نوسان‌ها در کشور براساس شاخص ترکیبی مذکور در طول برنامه‌های اول تا پنجم توسعه اندازه‌گیری شده است. نتایج نشان می‌دهد که براساس شاخص طراحی شده، بیشترین و کمترین مقاومت در نظام بانکی کشور، به برنامه‌های پنجم و اول توسعه و بیشترین و کمترین میزان نوسان مقاومت بانکی به برنامه‌های اول و چهارم توسعه است (رنجبر، باستانی‌فر و حیدر، ۱۳۹۷).

در این راستا، یافته‌های پژوهش هان و همکاران (۲۰۲۳) نشان داد عدم قطعیت سیاست اقتصادی بر فعالیت‌های بانکداری هم از منظر مالی و هم از منظر غیرمالی، تأثیرهای سوء دارد و ریسک سقوط قیمت سهام را افزایش می‌دهد. براساس نتایج بخش کمی مشخص شد که مؤلفه مشتری‌مداری با مقدار عملکرد ۳/۴۰۵، اهمیت با مقدار ۳/۸۶۴، شکافی به مقدار ۰/۴۵۹ دارد و مؤلفه استراتژی بانکداری پایدار با مقدار عملکرد ۲/۲۸۱ و اهمیت با مقدار ۳/۸۸۹، شکافی به مقدار ۱/۶۰۸ دارد؛ بنابراین تفاوت‌های معنادار بین انتظارات و عملکرد در برخی سازه‌ها، مانند «استراتژی بانکداری پایدار» و «مشتری‌مداری» وجود دارد. در حال حاضر بانک‌ها و مؤسسه‌ها با سرعت در خلق و اجرای خدمات نوین، گوی سبقت را از یکدیگر می‌ربایند و سعی می‌کنند مشتری‌مداری را به معنای واقعی کلمه اجرایی کنند. با وجود این، نمی‌توان ادعا کرد که دستگاه خودپرداز، بانکداری اینترنتی، بانکداری همراه و خدماتی نظیر این‌ها، جزء مزیت‌های رقابتی هستند؛ زیرا در حال حاضر، این ابزارها در اختیار اغلب بانک‌ها و مؤسسه‌ها قرار دارند. آنچه باعث مزیت رقابتی سازمان‌ها می‌شود، سرعت در ارائه خدمات، هزینه پایین خدمات ارائه شده، تحویل به‌موقع خدمات به مشتری و کیفیت خدمات است. در حوزه درون سازمانی نیز، هر سازمانی که بتواند از فناوری‌های موجود، بیشترین بهره را ببرد، توانسته است از دیگر رقبا در این عرصه پیشی بگیرد؛ از این رو روش به‌کارگیری و نحوه استفاده از این ابزارها را می‌توان یک زیر ساخت برای ایجاد مزیت رقابتی آن سازمان دانست. سرعت یکی از مهم‌ترین ثروت‌ها در هزاره سوم است که در سایه تکنولوژی اطلاعات فراهم شده است. یکی از رویکردهای به‌وجود آمده در راستای چنین تحولی، بانک‌های دوگانه است. بانک‌های دوگانه با توجه به ساختاری که انتخاب کرده‌اند، به‌خوبی می‌توانند با انعطاف‌پذیری زیاد و سرعت مناسب، خدمات بانکی را در دو فضای سنتی و الکترونیکی پاسخ دهند. بانکداری دوگانه به مشتریان این امکان را می‌دهد که سطح گسترده‌ای از نقل و انتقالات وجوه و اطلاعات را به‌شیوه سنتی و الکترونیکی انجام دهند.

براساس تلفیق نتایج کیفی و کمی می‌توان گفت که در ادبیات اقتصادی، چندین مفهوم در قرابت معنایی با اقتصاد وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: تاب‌آوری، اقتصادی آسیب‌پذیری، اقتصادی، هم‌بستگی اقتصادی ثبات اقتصاد کلان و ضدشکنندگی اقتصادی که هر یک مبتنی بر تعریفی مشخص استوار شده‌اند و لزوماً جایگزینی مناسب برای عدم اطمینان اقتصادی و درک صحیحی از واژه مقاومت نیستند. نظام بانکی نیز به‌عنوان رکن مهم عدم اطمینان اقتصادی، باید در جهت تحقق اهداف عدم اطمینان اقتصادی حرکت کند. برای بانکداری در عدم اطمینان اقتصادی، می‌توان دو نقش اساسی تعریف کرد. از یک سو، بانکداری صنعتی در داخل اقتصاد است و از سوی دیگر، این صنعت نقش اساسی به‌عنوان یک زیر ساخت مهم در اقتصاد برعهده دارد. از این رو بانکداری در این حالت دو بُعد دارد که در بُعد اول، به استحکام درونی صنعت بانکداری توجه می‌شود و در بُعد دوم، به نقشی که بانکداری در مقاوم‌سازی و پشتیبانی از عدم اطمینان اقتصادی برعهده دارد، پرداخته می‌شود. بُعد اول را بانک مقاوم و از بُعد دوم را بانک مقاوم‌ساز تعبیر می‌کنند. همچنین بانک مقاوم، زمانی سودمند خواهد بود که بتواند در عدم اطمینان اقتصادی ایفای نقش کند و در واقع نقش پشتیبانی خود در عدم اطمینان اقتصادی را به‌درستی ایفا کند.

براساس نتایج به‌دست‌آمده، پیشنهادهای کاربردی زیر ارائه می‌شود:

درخصوص عوامل سازمانی پیشنهاد می‌شود که ضمن پشتیبانی و حمایت مدیران بانکی از پایداری مالی، به برنامه‌ریزی استراتژیک پایداری مالی نیز پرداخته شود. آنچه در بُعد سازمانی حائز اهمیت است، بازنگری و مهندسی مجدد ساختارهای بانکی و البته کنترل و پایش پیوسته عملکرد پایداری بانک است. دستیابی به اهداف پایداری مالی در صنعت بانکداری ایران، به کمک آموزش و توانمندسازی نیروی انسانی و تخصیص و تأمین بودجه کافی برای پایداری مالی قابل حصول است.

درخصوص مشتری‌مداری پیشنهاد می‌شود که با افزایش پاسخ‌گویی به نیازها و خواسته‌های مشتریان، به برقراری و افزایش تعامل دوسویه با آن‌ها نیز پرداخته شود. برقراری ارتباط بلندمدت با مشتریان، به کمک نظام رسیدگی به شکایات آن‌ها، به‌واسطه پایش پیوسته نیازهای مشتریان امکان‌پذیر است و روی افزایش رضایت مشتریان نیز تأثیر می‌گذارد. همچنین دستیابی به پایداری مالی در صنعت بانکداری ایران با استراتژی تشویق مشتریان به پس‌انداز تسهیل می‌شود.

درخصوص سیاست‌های مالی پیشنهاد می‌شود که در ابتدا به بازنگری نرخ بهره‌های بانکی و تصحیح و به‌روزرسانی قوانین مالی پرداخته شود. پایداری مالی در صنعت بانکداری ایران، به بازنگری در قوانین اعطای وام و سیاست‌های بانکداری شرکتی وابسته است. همچنین تدوین سیاست‌های مبارزه با فساد مالی و تمکین از قوانین مالی بالادستی نیز، در این حیطه اثرگذار است. مدیران ذی‌ربط با تسهیل فرایندهای عملیات پولی و مالی و حذف کاغذبازی‌های اضافی در عملیات بانکی، قادر خواهند بود که در جهت بهبود سیاست‌های مالی گام بردارند.

درخصوص مسئولیت اجتماعی بانک پیشنهاد می‌شود که ضمن پایبندی و احترام به قوانین جامعه، به رعایت نظم و انضباط اخلاقی حاکم بر بانک نیز توجه شود. پایداری مالی در صنعت بانکداری ایران، منوط به رعایت قوانین و استانداردهای روشن اجتماعی است و پایش انتظارات و خواسته‌های جامعه در آن تأثیر می‌گذارد. آنچه در بُعد مسئولیت

اجتماعی حائز اهمیت است، اخلاق‌مداری در رابطه مسائل اجتماعی و البته لزوم پاسخ‌گویی به مسائل اجتماعی است که باید بیش از پیش مدنظر مسئولان مربوطه قرار بگیرد.

درخصوص پایداری مالی پیشنهاد می‌شود که برای ثبات درآمدزایی صنعت بانکداری و توانایی تحقق تعهدهای مالی در موعد مقرر، به افزایش ظرفیت مالی در برابر شوک‌های اقتصادی مبادرت شود. آنچه در پایداری مالی در صنعت بانکداری ایران باید مد نظر قرار گیرد، ثبات سرمایه‌گذاری در بانک‌ها و ایجاد آرامش بازارهای پولی و مالی کشور است؛ بنابراین درآمدزایی پایدار نظام بانکی که با شفافیت عملکرد مالی صنعت بانکداری قابل حصول است، به کاهش فساد مالی در نظام بانکی نیز منجر می‌شود.

درخصوص عدم اطمینان اقتصادی پیشنهاد می‌شود که برای رفع تحریم‌های اقتصادی گسترده و تحریم نظام بانکی کشور، از سوی مدیران مربوطه تدابیر و استراتژی‌های ضروری اتخاذ شود. توجه به شرایط رکود تورمی و نوسان‌های شدید اقتصادی کشور، در این حوزه حائز اهمیت است. همچنین با کاهش ناسازگاری قوانین جاری با شرایط روز و افزایش اطمینان به سرمایه‌گذاری، می‌توان تا حدی بر شرایط عدم اقتصادی موجود غلبه کرد. پایداری مالی در صنعت بانکداری ایران، به رفع سیاست‌های ناکارآمد اقتصادی کشور و جلب اعتمادی عمومی به تصمیم‌های اقتصادی نیاز دارد.

درخصوص استراتژی بانکداری پایدار، پیشنهاد می‌شود که ضمن تدوین چشم‌انداز روشن بانکداری پایدار، به تعیین مأموریت‌های معین در راستای آن نیز پرداخته شود. حصول پایداری مالی در صنعت بانکداری ایران، منوط به هدف‌گذاری بلندمدت بانکداری پایدار و البته تدوین استراتژی مشخص در راستای هدف‌های بلندمدت است. همچنین مدیران بانکی با هدف‌گذاری کوتاه‌مدت و تدوین خط‌مشی‌های اجرایی هدف‌های کوتاه‌مدت نیز می‌توانند به اهداف پایداری مالی در صنعت بانکداری ایران دست یابند. علاوه‌براین، بهبود روندها و رویه‌های اجرایی بانکداری پایدار، به تدوین و ابلاغ قوانین و مقررات اجرایی بانکداری پایدار وابسته است.

درخصوص پایداری زیست‌محیطی پیشنهاد می‌شود که جهت بهبود عملکرد زیست‌محیطی بانک، به نهادینه‌سازی فرهنگ احترام به محیط‌زیست پرداخته شود. این مهم به کمک پشتیبانی از شرکت‌های فعال در تولید پاک و استقرار بانکداری بدون کاغذ و سبز، به کمک به‌کارگیری فرایندهای بانکداری سبز محقق می‌شود.

درخصوص پایداری اقتصادی پیشنهاد می‌شود که برای افزایش سهم بازار به کمک افزایش تراکنش‌های بانکی نزد مشتریان، به افزایش میزان پس‌انداز و سرمایه‌گذاری به با تدوین برنامه‌های جذاب و مشتری‌پسند پرداخته شود. آنچه در بُعد پایداری اقتصادی حائز اهمیت است، افزایش بازگشت سرمایه برای بهبود سودآوری نظام بانکی است.

درخصوص پایداری اجتماعی پیشنهاد می‌شود که مدیران بانکی با افزایش حضور در خیریه‌ها و کمک‌های مردمی و برگزاری و پشتیبانی از همایش‌های اجتماعی، به فعالیت‌های عام‌المنفعه اقدام کنند. دستیابی به اهداف پایداری مالی در صنعت بانکداری ایران با حضور فعال در رویدادهای اجتماعی و پاسخ‌گویی به خواسته‌های اجتماعی تسهیل می‌شود.

پیشنهادهایی برای پژوهشگران آینده

- در بخش کمی، به جز نظرهای کارکنان بانکی، نظرهای سایر ذی‌نفعان نیز در نظر گرفته شود و نتایج با

یافته‌های این پژوهش مقایسه شود؛

- استفاده از مدل حاضر برای الگوی پایداری مالی در صنعت بانکداری ایران (شرایط عدم اطمینان اقتصادی) در شهرهای مختلف کشور و مقایسه آن‌ها به محققان آتی پیشنهاد می‌شود؛
- پژوهشگران آتی می‌توانند مطالعاتی جهت مفهوم‌سازی بحث الگوی پایداری مالی در صنعت بانکداری ایران با دیدگاه نظری انجام دهند و از منظر فنی نیز به روش‌های اجرایی کردن مدل مذکور بپردازند؛
- بررسی رابطه سازوکارهای معیارهای مدل الگوی پایداری مالی در صنعت بانکداری ایران (شرایط عدم اطمینان اقتصادی) از دید کارکنان بانکی؛
- مقایسه الگوی پایداری مالی در صنعت بانکداری ایران (شرایط عدم اطمینان اقتصادی) با سایر کشورها؛
- اولویت‌بندی ذی‌نفعان الگوی پایداری مالی در صنعت بانکداری ایران (شرایط عدم اطمینان اقتصادی)؛
- آسیب‌شناسی مسائل و موانع پیش روی پیاده‌سازی و استقرار الگوی پایداری مالی در صنعت بانکداری ایران (شرایط عدم اطمینان اقتصادی)؛
- اجرا و ارزیابی استراتژی‌های پیشنهاد شده در پژوهش حاضر.

منابع

- احمدی، خلیل؛ دمنه، نیلوفر؛ جهان‌دیده، مهسا (۱۴۰۱). پایداری مالی در شهرداری تهران: وضعیت فعلی، الزامات، راهبردهای اصلاحی. *اقتصاد و برنامه‌ریزی شهری*، ۳ (۴)، ۱۶۴-۱۸۳.
- اسماعیلی کیا، غریبه؛ اوشنی، محمد (۱۴۰۱). پایداری مالی شرکت و گزارشگری مالی متقلبان: نقش کیفیت سازوکارهای راهبری شرکتی. *دانش حسابداری*، ۱۳ (۴۹)، ۸۳-۱۰۴.
- تمیزی، علیرضا (۱۴۰۳). عوامل اقتصادی و بانکی مؤثر بر عملکرد مالی بانک‌ها. *اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ۱۳ (۴۶)، ۲۷۹-۲۹۹.
- حبیبی، آرش؛ سرآبادانی، مونا (۱۴۰۱). *آموزش کاربردی SPSS*. تهران: نارون.
- دارابی، رویا؛ سرایی، سمیرا؛ تقوی، فاطمه (۱۴۰۰). تأثیر عدم اطمینان سیاست اقتصادی با استفاده از معیارهای ریسک مالی و ریسک اقتصادی بر ریسک سقوط سهام. *مطالعات حسابداری و حسابرسی*، ۱۰ (۴۰)، ۴۷-۶۲.
- ریبعی، مهناز؛ طاهری، سیده نسیم؛ صفوی، بیژن؛ زندی، فاطمه (۱۴۰۰). بررسی تأثیر ثبات در صنعت بانکداری بر میزان کارایی سیستم بانکی اقتصاد ایران. *راهبرد اقتصادی*، ۱۰ (۳۹)، ۶۵۷-۷۲۶.
- رضائی، نادر؛ نوروزی، علیرضا (۱۳۹۸). بررسی نااطمینانی اقتصادی و تصمیمات وام‌دهی بانک‌ها. *دانش سرمایه‌گذاری*، ۸ (۳۲)، ۳۱۵-۳۳۰.
- رنجبر، رضا؛ باستانی‌فر، ایمان؛ حیدر، محمدرضا (۱۳۹۷). سنجش درجه مقاومت نظام بانکداری اسلامی (مطالعه موردی: جمهوری اسلامی ایران). *راهبرد اقتصادی*، ۷ (۲۷)، ۲۷-۶۷.

- شاگری، جمیله؛ سیدی نژاد، بهناز؛ جهان تیغ، مجید (۱۴۰۲). بررسی تأثیر عدم اطمینان اقتصادی و ریسک سقوط قیمت سهام با توجه به نقش میانجی سرمایه فکری. چشم انداز حسابداری و مدیریت، ۶ (۸۳)، ۲۴۲-۲۱۸.
- شرقی، غلامرضا؛ فتحی هفشجانی، کیامرث؛ احمدی، فائق (۱۴۰۲). شناسایی عوامل مؤثر بر ریسک تأمین مالی پروژه. تحقیقات مالی، ۲۵ (۳)، ۴۸۵-۵۰۷.
- شکرخواه، جواد؛ آسیایی، محمدرضا؛ محمودی، مهدی (۱۴۰۲). رابطه عدم اطمینان اقتصادی و همزمانی بازده سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار. بورس اوراق بهادار، ۱۶ (۶۲)، ۲۲۵-۲۵۲.
- عطائی قراچه، مسعود؛ داودی، سیدمحمدرضا؛ هرتمنی، امیر (۱۴۰۲). طراحی و اعتبارسنجی مدل بانکداری پایدار جهت نیل به اهداف اقتصاد مقاومتی، مدیریت تبلیغات و فروش، ۴ (۱)، ۱۰۹-۱۳۳.
- کریمی، حمیدرضا؛ محمدی، پرستو (۱۴۰۱). الگوی مالی پایدار برای کسب و کار بانک‌های اجتماعی. تحقیقات مالی، ۲۴ (۴)، ۴۸۰-۵۰۴.
- لکی، احمد؛ جهانی، امیرمسعود (۱۴۰۱). بررسی رابطه عدم اطمینان سیاست اقتصادی و ثبات بانکی. اقتصاد، مدیریت و حسابداری، ۱۳ (۱)، ۲۴-۳۶.
- لونی، سمیه؛ عباسیان، عزت‌اله؛ حاجی، غلامعلی (۱۴۰۰). اثر نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی بر سرمایه‌گذاری شرکتی: شواهدی از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. تحقیقات مالی، ۲۳ (۲)، ۲۴۹-۲۶۸.
- محمدی، محمد؛ کریمی دلدار، بهنام (۱۴۰۰). بررسی تأثیر عدم اطمینان اقتصادی و شاخص‌های افشاگری مسئولیت اجتماعی بر همزمانی قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در سازمان بورس اوراق بهادار تهران. رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، ۶۰، ۷۵-۹۸.
- ناصر صدرآبادی، سیده مروه؛ غفاری، فرهاد؛ محمدی، تیمور؛ معمارنژاد، عباس (۱۴۰۲). اثرات بحران‌های مالی جهانی بر الگوهای تجاری ایران و شرکای آن: روش شبه MLE پواسون. پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۲۸ (۹۶)، ۸۷-۱۲۱.
- نجفی مقدم، علی؛ دارابی، رویا؛ حاجی‌رضا، محمد رضا (۱۴۰۲). تأثیر اقلام تعهدی و جریان نقد آزاد بر پایداری مالی با استفاده از الگوریتم ژنتیک. مطالعات حسابداری و حسابرسی، ۱۲ (۴۷)، ۵-۲۴.
- نورایی، میثم؛ سعیدی، پرویز (۱۳۹۷). عوامل تعیین کننده اقتصادی و سیاسی وام‌دهی صندوق بین‌المللی پول در ایران. رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، ۲ (۴)، ۹۵-۱۰۵.
- همایون، علی؛ رنجبر، محمدحسین؛ احمدی، فائق؛ طالب‌نیا، قدرت الله (۱۴۰۲). اثر افشای داوطلبانه اطلاعات غیر مالی تاریخی و آینده‌نگر بر عملکرد پایداری غیرمالی شرکت‌ها. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۱۲ (۴۷)، ۱۲۹-۱۵۲.
- هولستی، ال رادولف (۱۴۰۰). تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی (نادر سالارزاده امیری، مترجم). انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- یوسفی قلعه رودخانی، محمدعلی؛ تهرانی، رضا؛ میرلوحی، سیدمجتبی (۱۴۰۰). بررسی تأثیر معیارهای عملکرد مالی بر پایداری مالی بانک‌ها در شرایط بحران مالی. پژوهش‌های مدیریت ایران، ۲۵ (۱۱۲)، ۱-۲۱.

References

- Ahmadi, Kh., Damneh, N. & Jahandideh, M. (2022). Fiscal Sustainability in Tehran municipality: Current Situation and Suggested Reforms. *Urban Economics and Planning*, 3(4), 164-183. (in Persian)
- Alice, J., Hussain, K. N., Alnoor, A., Muhsen, Y. R. & Atiyah, A. G. (2024). Benchmarking Methodology of Banks Based on Financial Sustainability Using CRITIC and RAFSI Techniques. *Decision Making: Applications in Management and Engineering*, 7(1), 315-341.
- Antonopoulou, H., Mamalougou, V. & Theodorakopoulos, L. (2022). The role of economic policy uncertainty in predicting stock return volatility in the banking industry: A big data analysis. *Emerging Science Journal*, 6(3), 569-577.
- Aramonte, S., Schrimpf, A. & Shin, H. S. (2023). Non-bank financial intermediaries and financial stability. *Edward Elgar Publishing*, 21(3), 147-170.
- Ataei Qarache, M., Davoudi, S.M.R. & Hartmani, A. (2023). Design and validation of sustainable banking model to achieve the goals of resistance economy, *Advertising and Sales Management*, 4(1), 109-133. (in Persian)
- Bilgin, M. H., Danisman, G. O., Demir, E. & Tarazi, A. (2021). Economic uncertainty and bank stability: Conventional vs. *Islamic banking*. *Journal of Financial Stability*, 56, 100911.
- Bolton, P., Svartzman, R., Despres, M., Pereira Da Silva, L. A. & Samama, F. (2021). Central banks, financial stability and policy coordination in the age of climate uncertainty: a three-layered analytical and operational framework. *Climate Policy*, 21(4), 563-580.
- Chittedi, K. R., Yi, S., Raghutla, C. & Fareed, Z. (2023). How economic policy uncertainty and financial development contribute to renewable energy consumption? *The importance of economic globalization*. *Renewable Energy*, 202, 1357-1367.
- Dai, Z. & Zhou, Z. (2022). Research and Forecast Analysis of Financial Stability for Policy Uncertainty. *Computational Intelligence and Neuroscience*, 20(2), 145- 169.
- Darabi, R., Sarayi, S. & Taqavi, F. (2021). The impact of uncertainty in economic policy using financial risk and economic risk criteria on stock crash risk. *Accounting and Auditing Studies*, 10(40), 47-62. (in Persian)
- Deng, Y. & Li, S. (2024). Do global and local economic policy uncertainties matter for systemic risk in the international banking system. *Finance Research Letters*, 59, 104752.
- Esmaili Kia, Gh. & Oshani, M. (2022). Corporate Financial Stability and Fraudulent Financial Reporting: The Role of Quality of Corporate Governance Mechanisms. *Journal of Accounting Knowledge*, 13(49), 83-104. (in Persian)
- Glaser, B. G., Strauss, A. L. & Strutzel, E. (2017). The discovery of grounded theory, Strategies for Qualitative Research. *Nursing research*, 17(4), 364.
- Habibi, A. & Sarabadani, M. (2022). *Practical SPSS Training*. Tehran: Narvan. (in Persian)

- Han, X., Hsu, S., Li, J. & An, R. (2023). Economic policy uncertainty, non-financial enterprises' shadow banking activities and stock price crash risk. *Emerging Markets Review*, 54, 101-113.
- Hassan, M. K., Khan, A. & Paltrinieri, A. (2019). Liquidity risk, credit risk and stability in Islamic and conventional banks. *Research in International Business and Finance*, 48, 17-31.
- Hedström, A. P., Uddin, G. S., Rahman, M. L. & Sjö, B. (2024). Systemic risk in the Scandinavian banking sector. *International Journal of Finance & Economics*, 29(1), 581-608.
- Homayoun, A., Ranjbar, M.H., Ahmadi, F. & Taleb Nia, Gh. (2023). The Effect of Voluntary Disclosure of Historical and Prospective Non-Financial Information on the NonFinancial Sustainability Performance of Companies. *Empirical Research in Accounting*, 12(47), 129-152. (in Persian)
- IMF (2009). Iceland: Stand-by Arrangement interim review under the Emergency Financing Mechanism. IMF Country Report No. 09/52. www.imf.org/external/pubs/ft/scr/2009/cr0952.pdf.
- Jeon, B. N., Yao, Y., Chen, M. & Wu, J. (2024). The impact of macroprudential policies on bank risk under economic uncertainty: Evidence from emerging Asian economies. *Journal of the Asia Pacific Economy*, 29(1), 282-313.
- Karimi, H. & Mohammadi, P. (2022). A Sustainable Financial Model for the Social Banking Business. *Financial Research Journal*, 24(4), 480-504. (in Persian)
- Kim, H., Batten, J. A. & Ryu, D. (2020). Financial crisis, bank diversification, and financial stability: OECD countries. *International Review of Economics & Finance*, 65, 94-104.
- Laki, A. & Jahani, A. (2022). Investigating the Relationship between Economic Policy Uncertainty and Banking Stability. *Economics, Management, and Accounting*, 13(1), 24-36. (in Persian)
- Lastra, R. M. (2010). The role of the IMF as a global financial authority. In *European Yearbook of International Economic Law 2011* (pp. 121-136). Berlin, Heidelberg: Springer Berlin Heidelberg.
- Loni, S., Abbasian, E. & Haji, G. (2021). The Effect of Economic Policy Uncertainty on Corporate Investment: Evidence from Companies Listed on the Tehran Stock Exchange. *Financial Research Journal*, 23(2), 249-268. (in Persian)
- Miller, E., Cross, L. & Lopez, M. (2010). Sampling in qualitative research. *FBB research group*, 19(3), 249-261.
- Mohammadi, M. & Karimi Deldar, B. (2021). Investigating the effect of economic uncertainty and indicators of social responsibility disclosure on stock price synchronization in companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Journal of New Research Approaches in Management and Accounting*, 60, 75-98. (in Persian)

- Najafi Moghadam, A., Darabi, R. & Hajireza, M.R. (2023). The Impact of Accruals and Free Cash Flow on Financial Stability Using Genetic Algorithm. *Accounting and Auditing Studies*, 12(47), 5-24. (in Persian)
- Nasersadrabadi, S. M., Ghaffari, F., Mohammadi, T. & Memarnejad, A. (2023). The Effects of Global Financial Crises on the Trade Patterns of Iran and its Partners: Pseudo Poisson MLE Method. *Iranian Journal of Economic Research*, 28(96), 87-121. doi: 10.22054/ijer.2021.61543.999 (in Persian)
- Nouraei, M. & Saeedi, P. (2018). Economic and Political Determinants of IMF Lending in Iran. *Scientific Journal of Modern Research Approaches in Management and Accounting*, 2(4), 95-105. (in Persian)
- Rabiei, M., Taheri, S.N., Safavi, B. & Zandi, F. (2021). Investigating the impact of stability in the banking industry on the efficiency of the banking system in the Iranian economy. *Quarterly Journal of Economic Strategy*, 10(39), 657-726. (in Persian)
- Ranjbar, R., Bastanifar, I. & Heidari, M.R. (2019). Measuring The Resistance Of Islamic Banking System (Case Study: Islamic Republic Of Iran). *Economic Strategy*, 7(27), 27-67. (in Persian)
- Rezaei, N. & Noroozi, A. (2019). Economic policy uncertainty, banks' lending decisions. *Investment Knowledge*, 8(32), 315-330. (in Persian)
- Shakery, J., Seyedinajad, B. & Jahan-Tigh, M. (2023). Investigating the impact of economic uncertainty and the risk of falling stock prices with regard to the mediating role of intellectual capital. *Journal of Accounting and Management Vision*, 6(83), 218-242. (in Persian)
- Sharafi, G., Fathi Hafashjani, K. & Ahmadi, F. (2023). Identification of Factors Affecting Project Financing Risk. *Financial Research Journal*, 25(3), 485-507. (in Persian)
- Shekarkhah, J., Asiaie, M. & Mahmoudi, M. (2023). The Relationship between Economic Uncertainty and Synchronization of Stock Returns in Companies Listed on the Tehran Stock Exchange. *Journal of Securities Exchange*, 16(62), 225-252. (in Persian)
- Strauss, A. L. & Corbin, J. M. (Eds.). (1997). *Grounded theory in practice*. Sage Publications, Inc.
- Sun, L., Fang, S., Iqbal, S. & Bilal, A. R. (2022). Financial stability role on climate risks, and climate change mitigation: Implications for green economic recovery. *Environmental Science and Pollution Research*, 13(3), 1-12.
- Tailab, M. M. K. (2020). Using importance-performance matrix analysis to evaluate the financial performance of American banks during the financial crisis. *Sage Open*, 10(1), 2158244020902079.
- Tamizi, A. (2024). The effect of economic misery index on banks' financial performance. *Islamic Economics and Banking*, 13(46), 279-299. (in Persian)

- Velychko, L., Khalatur, S., Pavlenko, O., Karamushka, O. & Huba, M. (2023). A model for analyzing the financial stability of banks in the VUCA-world conditions. *Banks and Bank Systems*, 16(1), 182-194.
- Xie, Z., Liu, X., Najam, H., Fu, Q., Abbas, J., Comite, U., ... & Miculescu, A. (2022). Achieving financial sustainability through revenue diversification: A green pathway for financial institutions in Asia. *Sustainability*, 14(6), 3512.
- Yao, Y., Wu, J., Chen, M. & Jeon, B. N. (2020). Economic uncertainty and bank risk: Evidence from emerging economies. *Journal of International Financial Markets, Institutions and Money*, 68, 101242.
- Yousefi Ghaleh Roudkhani, M.A., Tehrani, R. & Mirlouhi, S.M. (2021). Investigating the Impact of Financial performance metrics on Financial Stability of Banks in the Financial Crisis. *Management Research in Iran*, 25(112), 1-21. (in Persian)

